

**رئیس رگولاتوری: حجم بسته‌های اینترنت بر مبنای بین الملل است**

سینتا؛ رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادویی، گفت: تا پیش از افزایش قیمت، ترافیک داخل نیم‌بها بود و پس از افزایش قیمت، تعرفه داخل حدود ۲۷، درصد بین الملل محاسبه می‌شود و در بسته‌های اینترنتی نیز پیش فرض حجم اعلامی بر مبنای بین‌الملل است. امیر لاجوردی در ویراستی خود و در پاسخ به تحلیل یکی از کاربران این شبکه اجتماعی پیرامون قیمت‌های اینترنت و آنکه آیا هزینه اینترنت داخلی نیم‌بها محاسبه می‌شود یا اینترنت بین الملل دو برابر گفت: تا پیش از افزایش قیمت ترافیک داخل نیم‌بها بود و پس از افزایش تعرفه داخل حدود ۲۷، درصد بین‌الملل محاسبه می‌شود.



شنبه

۲۸ تیرم ۱۴۰۳

سال ۲۲ شماره ۵۹۵

DONVA-E-QITESAD.COM

**در رویداد «واکاوی تخصصی آینده اینترنت در ایران؛ در جست‌وجوی مسیری برای همگرایی» بررسی شد**

# شکست قطعی سیاست فیلترینگ در غیاب پایگاه اجتماعی



**با گذشت قریب به یک‌ماه از انتشار دومین گزارش انجمن تجارت الکترونیک تهران درباره «کیفیت اینترنت در ایران»، حالا پس از داده‌های ارائه‌شده در رویداد «واکاوی تخصصی آینده اینترنت در ایران»، می‌توان تصویر واقع‌بینانه‌تری از مسیر طی شده در یک سال گذشته به دست داد. اعلام سهم ۴۵ درصدی ترافیک داخلی از کل ترافیک مصرفی کشور توسط رئیس رگولاتوری، علامت سوال بزرگی را پیش روی سیاستگذاران کشور قرار می‌دهد: این همه‌هیاهو صرفاً برای ۲۰ درصد مصرف بیشتر؟ صاحب‌نظران بر این باورند که نه افکار عمومی و نه جامعه نخبگانی کشور با سیاست‌های اتخاذ شده در زمینه فیلترینگ همراه نیستند و این موضوع می‌تواند باب هر نوع گفت‌وگوی علمی- تخصصی بر سر مساله کیفیت اینترنت را به کلی مسدود کند. در شرایطی که از نظر وزارت ارتباطات، پای هر شاخصی برای سنجش کیفیت و پایداری اینترنت چوبین و متزلزل است، مشخص نیست کاربران و کسب‌وکارها برای تحلیل وضعیت اینترنت در ایران باید به چه مرجع یا منبعی مراجعه کنند.**

**گروه بازار دیجیتال**

رسانه‌های اجتماعی بین‌المللی همواره در یک دهه اخیر نقش بسزایی در رقم زدن تجربه کیفیت خدمت (QoS) کاربران ایرانی داشته‌اند و تعجبی ندارد اگر کاربران ایرانی مثل فیبر نوری و ارتباطات نسل پنجم (5G) همچنان تجربه کاربری خود را از دریچه نحوه دسترسی به پلتفرم‌های فیلترشده تعریف کنند. کارشناسان وضعیت کنونی کارگروه فیلترینگ را به تاریخانه‌ای تشبیه می‌کنند که نه تنها مشخص نیست در درون آن چه می‌گذرد، بلکه حتی نمی‌توان انتظار تغییر رویه‌های معیوب موجود و حرکت به سمت پاسخگویی را از آن داشت. رویداد اخیر مشخص کرد راه ارتباطی و توافق نظر میان بخش خصوصی و دولت در زمینه اینترنت با چالش‌های متعددی مواجه است و رسیدن به توافق حداقلی و همگرایی رویکردها نیازمند تلاش جدی‌تر از سمت نهاد‌های ذی‌نفع حوزه اینترنت و فضای مجازی در دولت خواهد بود.

**« اختلاف نظر بر سر شاخص‌ها**

گزارش دوم انجمن تجارت الکترونیک بار دیگر چالش‌های پایداری شبکه، سرعت و کیفیت اینترنت در کشور و معضل سرعت لاک‌پشتی تحولات و پیشرفت‌ها را برجسته کرد. صرف‌نظر از تبادل بیانی‌ها و تعاملات غیرمستقیم میان انجمن تجارت الکترونیک و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در یک ماه گذشته، به نظر می‌رسد وزارت ارتباطات به عنوان متولی اصلی ارائه و تضمین کیفیت اینترنت در کشور نسبت به برخی از نکات مطرح‌شده در گزارش انجمن از اساس مخالفت دارد. در رویدادی که روز سه‌شنبه گذشته به همت آزمایشگاه داده و حکمرانی در محل خانه اندیشه‌ورزان برگزار شد، امیر محمدزاده لاجوردی، قائم‌مقام وزیر ارتباطات و رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادویی، اظهار کرد در شاخص‌های کلیدی سطح ارتباطی و پایداری و کیفیت شبکه همچون Jitter و Packet loss و RTT، وضعیت همواره رو به بهبود بوده است؛ اما کیفیت سرویس موضوع دیگری است. او با اشاره به عزم رگولاتوری برای انتشار منظم وضعیت شاخص‌های شبکه در قالب فصل‌نامه‌های این سازمان گفت: «برای رسیدن به شاخص مناسبی در زمینه سنجش و پایش کیفیت سرویس و تجربه کاربران از اینترنت در کشور باید بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) و مراکز پژوهشی ورود کنند و ما در سازمان آماده ایجاد این کانال ارتباطی و تعاملی هستیم.» هرچند نیما قاضی، رئیس انجمن تجارت الکترونیک تهران، معتقد است با وجود تلاش‌های انجام‌شده پس از انتشار گزارش نخست انجمن تجارت الکترونیک درباره کیفیت اینترنت، این تعامل و همکاری با وزارت ارتباطات برقرار نشده است. قاضی در این رابطه گفت: «زمانی که همه شاخص‌ها و سنجه‌های ارائه‌شده در گزارش انجمن از رادار کلدفلر گرفته تا رادار ابر آروان از نظر دوستان محل اشکال است، آنگاه برای تهیه یک گزارش تخصصی باید به چه متر معیاری استناد کرد؟»

دست‌کم از زمان تاسیس شورای عالی فضای مجازی در کشور و مطرح شدن اهداف و معماری شبکه ملی اطلاعات، همواره موضوع پهنای‌باند بین‌الملل یا حساسیت‌ها و ملاحظاتی همراه بوده است. محمد کسروی، مدیر گروه علمی- تحلیلی طیف در این رویداد به تفکیک سه لایه دسترسی، زیرساخت اپراتورها و شبکه انتقال و هسته اینترنت کشور پرداخت و بیشترین چالش و مساله را متوجه لایه سوم دانست که از قضا دولت متولی مدیریت و نگه‌داشت آن

# بازار

گروه دیجیتال ۵۹۵ شماره ۲۲ digital@den.ir

**اختلال دوباره در پیام‌رسان ایتا**

ایرنا: پیام‌رسان بومی ایتا مجدداً با اختلالاتی مواجه شد. محسن غفاری، مدیرعامل ایتا روز جمعه در این باره گفت: طبق برنامه‌ریزی قبلی که داشتیم و دو روز پیش در کانال‌های اطلاع‌رسانی ایتا اعلام شد، برای افزایش تاب‌آوری سیستم و ارتقای زیرساخت‌های سخت‌افزاری اعلام کردیم که باامداد جمعه از یک تا ۵ صبح برای ارتقای سیستم قطعی خواهیم داشت و اختلال داریم که همکاران فنی ما با برنامه‌ریزی و اطلاع قبلی به بهینه‌سازی و ارتقای زیرساخت‌های فنی پرداختند. او افزود: همان‌طور که می‌دانید ایتا با یک روند رشد دائمی مواجه هست و همواره هم از لحاظ تعداد کاربر و هم میزان استفاده، رشد بالایی داشتیم؛ مخصوصاً در چند ماه گذشته. به همین دلیل ناگزیر هستیم که زیرساخت‌های فنی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری را دائماً تقویت کنیم. مدیرعامل ایتا تاکید کرد: در اختلال قبلی که به‌صورت ناخواسته برای ایتا اتفاق افتاد، کشف کردیم که بخشی از زیرساخت‌های شبکه ما کاستی‌هایی دارد که با روند رشد ایتا همخوان نیست. به همین دلیل طبق هماهنگی‌هایی که انجام شد و به اطلاع وزارت ارتباطات رسید، قرار بر این شد که ارتقای زیرساخت‌ها امروز از ساعت یک تا ۵ باامداد انجام شود. غفاری افزود: متأسفانه عملیات ارتقا طول کشید و همچنان همکاران فنی ما در بخشی از ارتقای زیرساخت‌ها با مشکل مواجه شدند که بخشی از آن به تمویض برخی سخت‌افرها مربوط می‌شود. به خاطر همین این اختلال تداوم پیدا کرد و هنوز هم ادامه دارد. ولی امیدواریم که تا چند ساعت آینده با تلاش همکاران فنی این مشکل برطرف شود.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات:

**بیش از ۴۰ میلیون نفر**

**از پیام‌رسان‌های داخلی**

**استفاده می‌کنند**

ایستا: وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات با بیان اینکه هم‌اکنون حدود ۶ میلیون خانوار و کسب‌وکارها از خدمات فیبرنوری با سرعت ۱۰۰ مگابایت برثانیه استفاده می‌کنند، از توسعه شبکه فیبرنوری در شهرهای مختلف کشور داد.

عبسی زارع‌پور ۲۶ بهمن در حاشیه اجرای طرح ملی فیبرنوری منازل و کسب‌وکارها در شهر آمل گفت: اجرای طرح توسعه فیبرنوری در برخی کلان‌شهرها شروع شده و امروز در سه شهرآمل، بابل و ساری در مازندران نیز اجرایی خواهد شد.

او با تاکید بر اینکه توسعه شبکه فیبرنوری به شکل رشدی‌ای مشکلات مربوط به سرعت‌دهی اینترنت را در کشور برطرف خواهد کرد، افزود: تا هفته دولت سال ۱۴۰۲ با در نهایت پایان سال طرح فیبرنوری در کل مازندران اجرایی خواهد شد. این طرح به عنوان زیر ساخت شبکه ارتباطاتی است و برای چند دهه آینده کشور و سرعت اینترنت را تا ۱۰ برابر افزایش خواهد داد.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات اضافه کرد: درحال حاضر مشترکان خانگی و کسب‌وکارهای شهرهایی که از خدمات فیبرنوری بهره‌مند هستند، می‌توانند تا سرعت هزار مگابایت برثانیه را داشته باشند.

زارع پور با بیان اینکه درحال حاضر سرعت اینترنت در کشور ۱۰ مگابایت برثانیه است، تصریح کرد، کارنامه این سیستم ثابت در کشور متأسفانه گزافه خوبی نیست و کاری که امروز شروع شده باید ۱۰ سال قبل شروع می‌شد. او با بیان اینکه درحال حاضر بیش از ۴۰ میلیون نفر در کشور از پیام‌رسان‌های داخلی استفاده می‌کنند، گفت: این کار بزرگی هست که با تلاش شبانه‌روزی جوانان متخصص و نخبه اتفاق افتاد و وزارت ارتباطات نیز حمایت‌های بی‌سابقه‌ای را انجام داده است.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات با تاکید براینکه وظیفه این وزارتخانه فراهم کردن زیرساخت‌هایی برپهرمندی از شرایط مطلوب ارتباطی در کشور است، تصریح کرد، درحال حاضر بخش زیادی از کسب‌وکارهای مردم ایران در بستر پیام‌رسان‌های داخلی انجام می‌شود و با توسعه شبکه‌های فیبرنوری در کشور تا دهه‌های آینده نیاز به هیچ زیرساخت دیگری نخواهیم داشت.

با حضور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و استاندار مازندران، طرح ملی فیبرنوری منازل و کسب‌وکارها در شهر آمل اجرایی شد. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تاکید کرد: تا پنج ماه آینده باید اجرای این طرح انجام شود و در اختیار شهروندان قرار بگیرد. زارع‌پور افزود: هرچند مراحل اجرای این طرح شرایط سخت‌فنی خود را دارد، اما برای رفاه حال مردم باید این طرح هرچه سریع‌تر و با تلاش ویژه به پایان برسد. این طرح با قرارداد ۴۲۰ میلیارد ریالی شهرداری آمل و شرکت شاتل در سه گام پیش‌بینی شده که شبکه فیبر نوری به طول بیش از ۷۰۰ کیلومتر شامل خیابان‌های اصلی، فرعی و کوچه‌ها با هدف امکان استفاده شهروندان از اینترنت پرسرعت خانگی و فناوری‌های نوین ارتقای کیفیت عملکرد، کاهش هزینه‌ها و مصرف بهینه منابع درحال اجرا است. شهر آمل دارای حدود ۳۰۰ هزار نفر جمعیت شهری است.

از مفاهیم به خاطر سرعت عمل یا هر چیز دیگری خلط شده است. اما قسه تفکیک سایت‌های تحریمی و فیلترشده به همین آسانی که می‌گویند نیست.

برای مثال در بخشی از سایت Adobe فهرستی از دامنه‌های موردنیاز این شرکت برای تضمین حداکثر کیفیت مطلوب در محصولات برای کاربران ارائه شده است.

از بین حدوداً ۴۲۲ دامنه مختلف که در بخش توضیحات (matrix downloadable endpoints) به جزئیات اهمیت و کاربردپذیری هر یک از آنها در منظومه محصولات این شرکت نیز پرداخته شده، بیش از ۴ مورد در کشور ما فیلتر شده است. در این حالت، باید بگوییم درست است adobe کاربر ایرانی را تحریم کرده است، اما ما هم تجربه کاربری کامل را برای کاربر تضمین نکردیم.»

او معتقد است رویکرد تخصصی در بررسی آسیب‌های فیلترینگ به زیرساخت کسب‌وکارها و به‌طور ویژه به تمامیت و سلامت تجربه کاربران اینترنت در ایران، در این سال‌ها مغفول مانده است. صامری با مرور نسل‌های مختلف زیرساخت شبکه ملی اطلاعات در کشور «دنیای اقتصاد» گفت: «به عنوان یک متخصص در حوزه امنیت شبکه نمی‌توانم با قاطعیت و به صورت صفر و یکی، گزینشی کردن قطع اینترنت در سال گذشته لزوماً بهتر و درست‌تر از قطعی سراسری بدانم. چرا که هر کدام در بلندمدت عوارض و پیامدهایی به وجود می‌آورد که نمی‌شود صرفاً با نگاه فایده‌گرایی و ابزارگرایی آنها را مورد ارزیابی قرار دهیم.» این پژوهشگر حوزه امنیت شبکه در پایان در خصوص معضل فراگیر شدن استفاده از انواع VPN‌های پولی و رایگان در میان کاربران هشدار داد که از نظر او می‌تواند آسیب‌های خطرناکی به داده کاربران و امنیت دستگاه وارد آورد و باعث افزایش حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی کشور شود.

در همین رابطه، نیما قاضی هم در نشست واکاوی آینده اینترنت تصریح کرد: «از آنجا که انجمن خود را متعهد به استفاده از دیتای معتبر و موق در گزارش‌های تولیدی می‌داند، در گزارش اول اطلاعاتی درباره میزان استفاده از VPN در کشور منتشر شد که ابرادات درستی بر آن وارد بود. در گزارش دوم با ارجاع به بررسی انجام‌شده توسط پکتانت که عدد ۸۰ درصد را نشان می‌دهد، سعی شد بر دقت تحلیل‌ها افزوده شود.»

**« تعامل با مردم: حلقه مفقوده**

به گواهی کارشناسان، تحقیقات افکارسنجی انجام‌شده طی یک سال اخیر بیانگر شکاف و قطعی شدن جامعه پیرامون موضوع فیلترینگ و اینترنت است که بر اساس نظرسنجی اخیر اسپنا نمود آن را می‌توان در عدم همراهی حداقل ۵۰ درصد کاربران اینترنت در کشور با سیاست‌های اعمال‌شده ملاحظه کرد. محمدصادق امامیان، هم‌بنیان‌گذار اندیشکده حکمرانی شریف در این رویداد با اشاره به غیبت نگران‌کننده بسیاری از سایت‌ها و عدم بازنگری در تصمیمات جامعه شبکه‌ای نسبت به سیاست‌های محدودکننده اخیر، گفت: «نبود همراهی و همگرایی ذی‌نفعان یک مشکل بزرگ است که نیازمند هست و فعالیت اندیشکده‌ها، پژوهشکده‌ها و بخش خصوصی است.» به اعتقاد اسپناستگذار در حال حاضر در برخی از موارد حتی از بیان اینکه خیرخواه و صلاح‌اندیش مردم است نیز ناتوان مانده، از این‌رو که شکاف چالش‌برانگیزی بین نخبگان و سیاستگذاران شکل گرفته است.

مسئله شفافیت و پاسخگویی، حلقه‌های مفقوده‌ای هستند که در نبود آنها به سختی می‌توان به ترمیم این مسیر ارتباطی میان دولت، بخش خصوصی، نخبگان و مردم امیدوار بود. گزارش اخیر سایت سرفشارک (surfshark) بار دیگر ایران را با ۲۸ محدودیت اعمال‌شده، به عنوان نخستین کشور در این دسته‌بندی معرفی می‌کند که این آمار پس از بررسی ۷۶ محدودیت مشاهده‌شده در اینترنت در ۲۲ کشور جهان در سال ۲۰۲۳ به دست آمده است.

همچنین در رتبه‌بندی شاخص کیفیت زندگی دیجیتال (Digital Quality of Life) این سایت، ایران رتبه ۸۰ در میان ۱۲۰ کشور را به خود اختصاص داده و در کنار کشورهایی مثل آذربایجان و مصر قرار گرفته است. نباید از نظر دور داشت که چالش عدم کفایت زیرساختی و اختلال در اینترنت کشور، یک مساله واقعی و نه یک برساخته سیاسی رسانه‌ای است که به‌ادعان لاجوردی، قائم‌مقام وزیر ارتباطات، در شأن مردم و کسب‌وکارهای ایرانی نیست.

در حالی که سال گذشته به دلایل امنیتی، سایت رصد مرکز تبادل ترافیک داده تهران (IXP) توسط پیمانکار از دسترس عموم خارج شد، همچنان مشخص نیست که تدبیر وزارت ارتباطات برای بازیابی یا جایگزینی این پلتفرم شفافیت‌آفرین چیست و چه زمانی محقق خواهد شد. حال باید دید در صورت تکرار اختلالات سال گذشته روی سوئیچ IXP ای سایر تجهیزات زیرساختی شبکه در کشور، دولت چگونه می‌تواند حسن نیت خود را برای اعتمادسازی و برقرار کردن تعاملات سازنده معهود با بخش خصوصی و کسب‌وکارهای دیجیتال نشان دهد.

اگرچه دولت‌ها به عنوان حامیان اصلی حکمرانی مرزمحور بر فضای مجازی معتقدند باید مرزهای دولتی و قضایی را بر فضای مجازی ظاهراً بدون مرز تحمیل کرد و در غیر این صورت مرز و نظمی وجود نخواهد داشت، اما این استدلال مبتنی بر یک فرض نادرست است؛ چرا که همان‌طور که میلتون مولر، پدر علم حکمرانی اینترنت، می‌گوید مرزها در فضای مجازی وجود دارند، اما فقط با اصول مدنظر دولت‌ها همخوانی ندارند. او بر این باور است که به دنبال گسست و شکاف گسترده بین فضای مجازی جهانی‌شده و ابزارهای سنتی اعمال حکمرانی دولت‌ها، امروزه باید صاحب‌نظران و سیاستگذاران برای برقراری آشتی میان حاکمیت ملی و اینترنت پیش‌قدم شوند. در چنین شرایطی، استراتژی مطلوب باید مبتنی بر حکمرانی جهانی باشد؛ به نحوی که تنوع ترجیحات ملی را هر چه بیشتر با نیاز به درک مشترک از حکمرانی در سطح جهان بر این فضای مرزگریز، به نفع پایداری و توسعه شبکه تطبیق دهد.

ایراد را متوجه وزارت ارتباطات می‌داند و معتقد است در این زمینه باید پیگیری جدی از سمت وزارتخانه در تعامل با بخش خصوصی صورت گیرد. با این حال، مدت‌هاست مدیران کسب‌وکارهای اینترنتی و انجمن تجارت الکترونیک در قامت یک نهاد صنفی فعال در این زمینه، نسبت به عدم شفافیت فرآیند فیلترینگ، نعت و سازوکار اعتراض به آن و فرجام‌خواهی، منتفی شدن عهت فیلترینگ بسیاری از سایت‌ها و عدم بازنگری در تصمیمات گذشته، پیامدهای مخرب فیلترینگ گوگل پلی برای اکوسیستم ارتباطی کشور و سایر چالش‌های مشابه انتقاد کرده‌اند؛ اما نه تنها تا به حال پاسخ مشخصی از سوی نهاد‌های ذی‌نفع فیلترینگ همچون داستانی و شورای عالی فضای مجازی داده نشده، بلکه برخی مسولان به طرز جعبی کنشگری بخش خصوصی را در این زمینه کافی نمی‌دانند.

لاجوردی در نشست واکاوی آینده اینترنت با اشاره به پیگیری‌های وزارت ارتباطات برای رفع فیلتر گوگل پلی که از نظر او اقدامی منطقی و معقول به نظر می‌رسد، گفت: «نمانده‌ای که با پیگیری ما از سمت بخش خصوصی برای دفاع از رفع فیلتر گوگل پلی در جلسه کارگروه حضور پیدا کرد، در حد انتظار ظاهر نشد و در نتیجه برخی از آرای موافق هم به مخالفت

گرایید. «لاجوردی با اعلام اینکه بیش از ۳۰۰ هزار سایت و خدمت بین‌المللی، دسترسی کاربران ایرانی را به واسطه تحریم محدود کرده‌اند، گفت: «این هم می‌تواند سیاست دیگری باشد برای اینکه نرخ مراجعه به ابزارهای حاکمیت‌گریز در بین کاربران ایرانی را بالا ببرند.»

هر چند بسیاری از مسائل شناسایی‌شده در گزارش انجمن با محوریت کیفیت و پایداری اینترنت مستقیماً به وزارت ارتباطات مربوط است، اما در خصوص فیلترینگ و بازنگری در آن مسلمانهاد‌های دیگری نیز ذی‌نفع و مسوول هستند. با وجود تاکید رئیس جمهوری بر بازنگری در سیاست‌های فیلترینگ در حکم محمدامین آقاامیری، دبیر شورای عالی فضای مجازی، به نظر می‌رسد تا امروز برنامه مشخصی برای تحقق این مهم در دستور کار شورا نبوده یا حداقل به صورت عمومی اعلام نشده است.

شرکت‌کنندگان در نشست (به‌جز رئیس رگولاتوری) اعلام کردند، بارها از افراد دارای مسوولیت در معاونت فضای مجازی دادستانی کل کشور و مرکز ملی فضای مجازی، جهت حضور دعوت به عمل آمده که همگی بی‌نتیجه مانده است. این در حالی است که به نظر می‌رسد پاسخ بسیاری از پرسش‌های مربوط به کارنامه عملکرد سیاست شکست‌خورده فیلترینگ در کشور را باید در جایی غیر از وزارت ارتباطات جست‌وجو کرد.

حاضران در این رویداد همچنین معمای تحریم و فیلترینگ را از یک منظر و با توجه به حجم قابل‌توجه سایت‌ها، ابزارها و خدمات مفید مسدود مانده در کشور، به‌طور خلاصه «تحریم داخلی» در برابر «تحریم بیرونی» نامیدند که بر شدت دشواری‌های کاربران ایرانی می‌افزاید. اما قدر مسلم این است که نمی‌توان به راحتی و با طرح عبارت‌ها و برجسب‌هایی مثل سیاسی‌بودن یا رسانه‌ای بودن، اعتبار اصل مساله را انکار کرد.

در همین راستا، پیمان صامری، پژوهشگر حوزه امنیت شبکه، در گفت‌وگوی کاتوایی با «دنیای اقتصاد» اشاره می‌کند: «مطمئناً پیوست‌های ۷ و ۶ گزارش دوم انجمن خالی از اشکال نبوده و خیلی

است. او با اشاره به اینکه در یک سال اخیر برخی آمارهای مهم برای ارزیابی وضعیت شبکه در کشور از جمله اطلاعات تبادل (IXP) از سوی وزارت ارتباطات برداشته شده و عزمی برای احیای مجدد آنها مشاهده نمی‌شود، گفت: «اعمال خط‌مشی‌های مختلف روی شبکه برای تحکیم و تضمین سیاست‌های فیلترینگ، به ایجاد اختلالات و کاهش کیفیت در دسترسی به برخی سایت‌های مفید دامن زده است.» از نظر او سیاست‌های فیلترینگ اکنون کشور را در موقعیت قفل‌شدگی قرار داده است و او این موضوع را ناشی از عدم وفاق و اجماع در لایه سیاستگذاری اینترنت در کشور می‌داند. به علاوه، کشوری بر این باور است که اگر دولت بخواهد کاری را انجام دهد، به عنوان یک نهاد انتخابی که دارای حمایت خود را مرون مردم است، می‌تواند بالاخره به نحوی آن کار را پیش ببرد. از نظر او مشکلات متعدد در لایه اجرا را می‌توان با تکیه بر همگرایی و حرکت موثر و یکپارچه از سوی دولت برطرف کرد. از سوی دیگر، کشوری ایرادات و ابهامات زیادی را متوجه قانون جرایم رایانه‌ای می‌داند و اعتقاد دارد بازنگری در کل این فرآیند و نحوه فعالیت کارگروه فیلترینگ-اگرچه ممکن است به صورت آئی در بهبود تجربه کاربری مردم اثرگذار نباشد- اما لازم و ضروری است.

لاجوردی در پاسخ به پرسش دبیر رویداد «واکاوی تخصصی آینده اینترنت در ایران»، حجم کل ترافیک بین‌الملل را ۵٫۵ تریلیت بر ثانیه اعلام کرد و گفت: «پیگیری‌های جدی وزارت ارتباطات برای عدم دسترسی اینترنت در زمان برگزاری آزمون سراسری و جایگزینی قطعی کامل اینترنت با قطعی مقطعی و گزینشی در جریان وقایع پاییز ۱۴۰۱ (در مقیاسه با قطعی سراسری اینترنت در آبان ۱۳۹۸) جزو دستاوردهای مهم این وزارتخانه است. «همچنین او با انتقاد از ارجاع انجمن به پایگاه سرفشارک (Surfshark) به عنوان مبنای برخی از تحلیل‌های ارائه‌شده در مورد وضعیت اینترنت در ایران، گفت: «سایتی که حاضر نشده است در سال گذشته، موضوع قطع اینترنت در غزه توسط رژیم اشغالگر قدس را در لیست خود قرار دهد، جمهوری اسلامی ایران را عامل بیشترین قطعی اینترنت (shutdown) در جهان معرفی کرده است.» در همین رابطه، رئیس رگولاتوری علت حذف داده‌های مربوط به IXP را جلوگیری از حملات منع سرویس توزیع شده (DDoS) که به گفته او در سال گذشته بارها زیرساخت‌ها و تجهیزات شبکه را هدف قرار داده است، عنوان کرد. با این حال، لاجوردی در پاسخ به پرسش قاضی و حاضران نشست مبتنی بر تأخیر وزارتخانه در احیای شفافیت در این خصوص، گفت: «در تلاش هستیم، اما قولی نداده‌ایم.»

**« جعبه سیاه کارگروه فیلترینگ**

یکی از موضوعاتی که همواره در گزارش‌های انجمن تجارت الکترونیک و مطالبات کسب‌وکارهای داخلی به آن پرداخته شده، عدم شفافیت در مورد سایت‌های فیلترشده و تحریمی است. در حالی که وزارت ارتباطات فهرست سایت‌های اعلام‌شده برای بازگشایی از سوی انجمن را بارها مورد انتقاد قرار داده است، اما قاضی رئیس انجمن تجارت الکترونیک، لاجوردی و مجموعه وزارت ارتباطات را متولی شفاف‌سازی و پاسخگویی در این زمینه به عنوان یک مرجع رسمی در نظر می‌گیرد. از سوی دیگر لاجوردی این







انقلاب صنعتی نهضتی بود که مراحل اولیه آن بین سال‌های ۱۸۲۰–۱۷۷۰ میلادی در انگلستان و بعد از سال ۱۸۱۰ در قاره اروپا صورت گرفت و کاملاً زندگی اجتماعی، صنعتی، تجاری و سیاسی دنیای غرب را دگرگون ساخت. قسمت اعظم این نهضت عبارت بود از به‌کار بردن ماشین‌آلات در صنایع، معادن، حمل‌ونقل، ارتباطات و کشاورزی و تغییرات در سازمان‌های اقتصادی که این روش‌های جدید را تحت‌نظر داشتند. مقیاس وسیع و ماهیت اساسی این تغییرات که در یک دوره شصت‌ساله صورت گرفت، با اینکه سوابق اقتصادی و علمی آن به قرون گذشته می‌رسد و این نهضت هنوز هم به میزانی شاید بیشتر از گذشته ادامه دارد، اصطلاح «انقلاب» را در آن دوره توجیه می‌کند.
**کشاورزی:** در اواسط قرن هجده شرایط زندگی اقتصادی با شرایط زندگی قرون وسطی کمی فرق داشت. در کشاورزی عمل کشت و زرع در بیابان‌ها و در مزارع به‌طور دیمی انجام می‌شد و این عمل چندان سودی نداشت؛ زیرا هر کشاورز زمین خود را به چند قطعه تقسیم می‌کرد و هر سال یک یا چند قطعه آن را جداگانه کشت و زرع می‌کرد و چارپایان خود را در مراتع عمومی یا در چراگاه‌های مشترک یا کاشته‌نشده می‌چراند. طرز حاصلخیز کردن زمین و گردش زراعتی محصول و تربیت چارپایان، شناخته‌نشده بود، در هر سال یک ثلث زمین‌های زراعتی در حال آیش بدون استفاده می‌ماند و محصول کمی به‌دست می‌آمد. طرز زندگی ساده اجتماعی در روستاها ایجاد روش‌های جدید را مشکل می‌کرد.

**کارهای صنعتی:** در آن زمان صنعت دستی تنها راه تولید بود؛ چون پارچه‌بافی احتیاجات اساسی اصلی بشر را فراهم می‌کرد، مانع پیشرفت صنایع دیگر شد. درست کردن نخ از پشم خام و بعدها از پنبه (ریسندگی) و درست کردن پارچه ازنخ (پارچه‌بافی) دو مرحله اصلی و مهم صنعت نساجی بود. در قرن هجده صنعت نساجی در منازل با آلات ساده دستی از قبیل چرخ نخرسی یا کارگاه‌های دستی بافندگی انجام می‌گرفت و این طرز تولید احتیاج به هزینه زیادی نداشت. با این روش خانگی هر خانواده‌ای مواد خام را از واسطه یا دلالی می‌خرید و محصولات خود را به او می‌فروخت. غالب خانواده‌ها به کارخانه‌های مختلف از قبیل برگری در بهار و تابستان و پارچه‌بافی در زمستان اشتغال داشتند. تولید کالا مخصوصاً برای مصرف بود نه برای فروش در بازار آزاد، زیرا بازار محلی و کوچک بود و مقداً کارایی را که ممکن بود در آنجا به فروش برسد، از قبل به‌طور قطع می‌شد پیش‌بینی کرد. اوضاع اقتصادی و اجتماعی عمومی، مسافرت و حمل‌ونقل، مشکل و کند بود. دلچیان‌ها کشتی‌های بادبانی را قایق‌های رودخانه‌ای وسایل اصلی و مهم حمل‌ونقل به‌شمار می‌رفتند. پول کمی در جریان بود. طبقه‌بندی خشک و غیرمتعطف جامعه‌بوی سواد ی نوده مردم مانع از آن بود تا مردم برای بهبود وضع خود با عقل‌معاشر و جرات، مباردت به اقداماتی کنند. حکومت کشورهای یا پادشاهی بود، مانند ممالک اروپایی یا طرفدار متنفذین مانند بریتانیای کبیر.

**علل انقلاب صنعتی**

**توسعه تجارت:** اکتشافات جغرافیایی و تاسیس مستعمرات در قرون شانزده و هفده باعث توسعه تجارت، گسترش مبادلات ارزی و موجب پیدایش طبقه نیرومند تجار و سرمایه‌داران شد. درحالی‌که اثر این انقلاب بر صنایع فوری نبود، یافتن افق اقتصادی به مردم بزرگ نشان داد که اگر مواد تولیدی زیاد شود، فرصت‌های بیشتری برای پول درآوردن خواهند داشت. توسعه امور تجاری در دنیا بازاری مستعد برای بهره‌برداری و مقادیر فراوانی مواد خام فراهم آورد و طرز فکر جدیدی برای مبادرت به امور ایجاد کرد.

**پیشرفت علم:** به مدت دو قرن تولید دانش و جمع‌آوری اطلاعات علمی به‌طور دائم ادامه داشت؛ ولی از آن خیلی کم استفاده عملی می‌شد. تحقیقات علمی افرادی چون گالیله، نیوتن، هایجنس و بویل؛ چنان پایه‌های محکمی بودند که بعدها آزمایش‌های علمی روی آن پایه‌ها صورت گرفت.

**تشکیلات سیاسی مساعده:** شرط لازم برای آغاز انقلاب صنعتی برقراری آزادی سیاسی و انحلال سیستم صنعتی قرون وسطایی و لغو نظام ملوک‌الطوایفی بود. این اقدام در انگلستان بر اثر انقلابات قرن هفده و در اروپا بر اثر انقلاب فرانسه انجام گرفت و این تحولات به واسطه فتوحات ناپلئون به خارج سربایت کرد.

**آغاز سیاسی انگلستان:** در انگلستان شرایط برای شروع انقلاب صنعتی از هر لحاظ مساعد بود انگلستان بیش از سایر کشورهای اروپایی به وحدت ملی و ثبات و امور سیاسی ناآل شده بود با اینکه نفوس انگلستان خیلی کمتر از نفوس فرانسه بود، به اثر جنگ‌های موفقیت‌آمیز خود در قرن هجدهم دارای قدرت مهم درپای و مستعمراتی در سراسر جهان شده بود و از دیگر ملل بزرگ در تشکیلات سرمایه‌داری گوی سبقت را ربه‌د بود، یک سیستم قوی بانکی و سرمایه‌ای

## غربی که نمی‌خواهیم بشناسیم

شهاب شهیدانی

عضو هیات علمی گروه تاریخ و باستان‌شناسی دانشگاه لرستان

استاد فقید، لقمان دهقان نثری هنگامی که درس تاریخ اروپا در قرن نوزدهم را تدریس می کرد، از همان آغاز برای فهم و آشنایی ما از اهمیت تاریخ قرن نوزده می گفت: «قرن نفاخته جدا یافته» یا «قرن طولانی نوزدهم» که بیانگر دوره‌ای سرشار از تحولات مهم تاریخ سیاسی، اجتماعی، اندیشه‌ی و فلسفه، ادبیات و هنر، ظهور اسیسم‌های فکری و سیاسی و مکاتب تاریخ نگاری، عصر انقلاب صنعتی اول

فراوان برای به کار انداختن در کارهای فرایده داشت. منابع طبیعی، مانند معادن فراوان زغال سنگ و آهن، (مخصوصاً بعد از به کار بردن زغال سنگ در ذوب آهن که در جای زغال چوب در سال ۱۷۵۰) و استفاده از نیروی بخار بعد از سال ۱۷۸۰ باعث شد که انگلستان از رقبای خود سبقت جوید. آب و هوای مرطوب انگلستان برای پنهنرسی کمال مطلوب بود. بی نظمی و هرج و مرج در اروپا که با انقلاب فرانسه و جنگ‌های ناپلئونی همراه بود، قبول انقلاب صنعتی را در فرانسه، آلمان، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ به تأخیر انداخت.

**انقلاب در کشاورزی:** در قرن هجدهم ابداعات و ابتکارات فراوان در روش و تشکیلات کشاورزی تحولات وسیعی را رقم زد که نویدبخش انقلاب صنعتی بود و آن را ترویج می‌کرد. جرتوتال (۱۶۴۷–۱۷۴۱) ماشین تخم‌پاشی را ابداع کرد که روش قدیمی تخم‌پاشی را از بین برد. جرتوتال در عین حال در حاصلخیز کردن زمین به‌طور مصنوعی پیشقدم شد. او،آخر قرن هجدهم در انگلستان بخش عمده‌ای از زمین‌های زراعی و عمومی مصادره شد؛ یعنی آنها را تحویل گرفتند و به املاک بزرگ ملحق کردند؛ این عمل گاهی با پرداخت غرامت به زارعان کوچک که در آنجا قیلا کشت و زرع می‌کردند و بیشتر اوقات هم بدون پرداخت هیچ گونه غرامتی انجام می‌گرفت. این اقدام حاصل به پیشرفت فوق‌العاده در امور کشاورزی و تولید محصول به مراتب بیش از پیش شد.

**صنعت نساجی:** اصلاح کوچکی توسط جان کد در سال ۱۷۳۲ باعث پیدایش یک سلسله اختراعات شد. ماکوژی پرنده «جان کی» عمل ریسندگی را تسریع کرد و به این طریق تقاضا برای نخ رو به افزایش نهاد. ماشین نخرسی جیمز هارگریوز در سال ۱۷۶۷ و متعاقب آن ماشین نخرسی، ریچارد آرک رایت که با قوه آب کار می‌کرد در سال ۱۷۶۹ و ماشین نخرسی ساموئل کرومپتون در سال ۱۷۷۹ باعث شد که بیش‌خ از میزان مورد احتیاج تهیه شود. کارگاه بافندگی اختراع ادهموند کات که با نیروی محرکه کار می‌کرد در سال ۱۷۸۵ باعث اصلاح متدهای بافندگی شد و به این ترتیب میان بافندگی و ریسندگی موازنه‌ای برقرار شد. ماشین پننه‌پاک کنی الی ویتنی، در آمریکا در سال ۱۷۹۳ مقادیر فراوانی پنبه ارزان برای ریسیدن تولید کرد. تأثیر قطعی اختراعات مذکور این شده که مقدار پارچه‌ای که یک دسته کار گر می‌توانستند بافند، چند برابر شود.

**قوه بخار:** کار اساسی در امور صنایع جدید به‌وجود آوردن منبع یک نیروی ارزان و قابل استفاده بود. دو اختراع جیمزوات، یکی «گنداسور» در سال ۱۷۶۹ و دیگری طریقه عملی برای تبدیل حرکت متناوب پیستون به حرکت دورانی در سال ۱۷۸۱ ماشین بخار را که قبلاً توسط پاپن، به صورت ابتدایی اختراع



**در رمان «تس»**، شاهکار توماس هاردی، گذر از سنت به مدرنیته به واسطه ادوات نوین کشاورزی و ارتباطی نشان داده می‌شود و نویسنده می‌کوشد که روح زمانه (Zeitgeist) را در اثر خود متجسم کند: «دستگاه دروگر گندم درو شده را در بسته‌های کوچکی در پشت سر خود بر جای می‌نهد؛ مقدار هر بسته‌ای به اندازه یک بافه بود و بافه‌بندان فعال که در پشت سر بودند و بیشترشان را زنان تشکیل می‌دادند آنها را می‌قاییدند…» و «ترن

شده بود. تبدیل به یک محرک اصلی عملی برای همه قسم ماشین‌ها کرد. ماشین بخار به زودی جانشین آسیاب‌های آبی و بادی شد و استخراج مقادیر فراوانی زغال سنگ و آهن را آسان ساخت. موارد استعمال ماشین بخار به زودی آشکار شد. کشتی بخار رویر فولتون، موسوم به کلرمونت در سال ۱۸۷۰ روی آب و لوکموتیو جرج در خشکی در سال ۱۸۲۰ پیشرو وسایل حمل‌ونقل مدرن شدند. ماشین چاپ بخاری سال ۱۸۱۴ از هزینه چاپ و نشر کاسته و به گسترش آموزش در سطوح جهانی کمک کرد.

**زغال سنگ، آهن و فولاد:** در اوایل قرن ۱۸،آبراهام ادبی و پسرش برای سه‌کار بردن زغال کک (که از سنگ به دست می‌آید) به جای زغال چوب برای تبدیل سنگ آهن به آهن ازآمایش‌هایی انجام دادند. در سال ۱۷۶۰ جان سمیتون روش داربری را با اضافه کردن جریان هوا که به وسیله نیروی آب تولید می‌شد، اصلاح کرد و با این روش جدید جنس آهن مرغوب‌تر و از کک استفاده بیشتری شد. تقریباً در سال ۱۷۸۴ هابری کورت،طریقه به هم زدن آهن گداخته‌ا برای تصفیه آن معمول کرد از آن وقت به بعد آهن و زغال سنگ و بخار اساس صنعت به شمار رفت. پیشرفت‌های بعدی که از نظر اهمیت در درجه اول هستند، عبارت بود از: اختراع روش بسمر در سال ۱۸۰۹ و روش کوره باز برای تولید فولاد به مقدار زیاد.

**ارتباطات:** با پیشرفت راه آهن و کشتی رانی توسط بخار، مسافرت، ارتباطات و حمل‌ونقل خیلی سریع‌تر از سابق شد. به‌طوری که شیوه فرآیند ارسال نامه توسط پست با یک پی‌کن در سال ۱۸۴۰ در انگلستان متداول شد؛ ولی بزرگ‌ترین پیشرفت برقرار کردن ارتباط تقریباً فوری به وسیله برود که با تلگراف «مسر» در سال ۱۸۳۷ انجام گرفت. پیشرفت علم برق در اواخر قرن نوزده منتج به اختراع تلفن «بل» در سال ۱۸۷۶ و بی‌سیم «مارکونی» درسال ۱۸۹۶ شد.

ماشین‌آلات زراعتی: استفاده از ماشین در کشت و زرع تحولی در کشاورزی ایجاد کرد. ماشین بوجاری که به وسیله بخار می‌کرد در سال ۱۸۰۲ در انگلستان مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۸۳۴ ماشین درو و درسال ۱۸۰۰ ماشین شجرنی «ک کورمیک» به بازار آمد.

**ماشین‌ساز:** ماشین‌های نساجی در ابتدا از چوب و آهن ساخته می‌شد. یکی از نتایج عمده پیدایش قوه بخار و معمول شدن آهن کاری به کار بردن ماشین‌آلات برای ساختن ماشین‌های دیگر بود. با ماشین تراش، رنده و دستگاه فلزبری

## واکاوی انقلاب صنعتی و شکل‌گیری دنیای مدرن گذار از روستا به شهر

<span>شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۲</span>
۷ شعبان ۱۴۴۵، ۱۷ فوریه ۲۰۲۴
سال بیست و دوم ، شماره ۵۹۵۰



**بی سر و صدا بر ریل‌های خیس پیش آمد شیرا به سرعت ظرف به ظرف در قطار گذاشتند؛ ثور لکو موتیو قانیه‌ای پیکر تس دور بیل را روشن داشت که بی حرکت، در زیر درخت بزرگ راج ایستاده بود…** این نوری که بر پیکر رمان توماس هاردی افتاده، نور هر روز دوران مدرن است که تاریخ اروپا را متحول کر د. در اینجا بخش‌هایی از کتاب «تاریخ اروپا از ۱۸۱۵ به بعد»، اثر هنری ویلسون لیتل قیلد، را با ترجمه فریده رحه‌داغی می‌خوانید:

می‌رفت قدرت و نفوذ سرمایه‌داران صنعتی بیشتر می‌شد و آنها بودند که منافع اضافی را به جای اینکه بین مردم تقسیم کنند برای ایجاد صنایع جدید به کار می‌انداختند. با وجود اینکه در هزینه‌های غیرتولیدی و شخصی اسراف می‌شد سود حاصل از ماشین‌ها به اندازه‌ای زیاد بود که مقدار اسراف‌شده نسبت به افزایش ثروت کل ناچیز بود. توسعه سریع شرکت‌های سهامی و مسولیت محدود بعد از سال ۱۸۳۰ به کارانداختن سرمایه‌های اضافی را آسان کرد و باعث تشویق و ترقی سریع صنایع جدید شد.
**پیدایش حوزه‌های نفوذ اقتصادی:** مساله بزرگ سرمایه‌داران سه‌کار انداختن سرمایه‌های خود در کارهای پرسود بود. توسعه زیاد تولید محتاج به بازار وسیع‌تری بود. از این رو به‌ویژه در اواخر قرن نوزده وقتی بازارهای داخلی به حد اشباع رسید، فشار برای پیدا کردن حوزه‌های نفوذ در کشورهای عقب‌افتاده جهان به‌وجود آمد.

**ترقی و تنزل ناگهانی قیمت‌ها:** چون تولید برای تجارت و سود در بازار آزاد جانشین تولید برای مصرف شد و چون ابداع روش‌های جدید موازنه صنایع موجود برابرهم زد «تنزل» و «ترقی» فوق‌العاده قیمت‌ها مساله

جدیدی بر زندگی اقتصادی ایجاد کرد.

**همبستگی اقتصادی بین‌المللی:** انقلاب صنعتی که با انقلاب تجاری قرون شانزده و هفده شروع شده بود، جنبشی به وجود آورد که همبستگی و ارتباط اقتصادی بین‌المللی را تسریع کرد. دوک‌های نخریسی انگلستان به ریسیدن مداوم پنبه‌خام کشتزارهای آمریکا بستگی داشت که به وسیله بردگان کشت می‌شد؛ چون اروپایی‌ها به‌ویژه مردم انگلستان روز به روز بیشتر مشغول صنایع شهری می‌شدند، کمتر می‌توانستند مواد غذایی خود را از مزارع به‌دست آورند و مجبور بودند مقدار زیادی گندم و گوشت و خوراکی‌های دیگر را از مناطق گرمسیر وارد و در عوض کالاهای صنعتی خود را صادر کنند. به این ترتیب سراسر جهان تبدیل به یک بازار شد. در هر نقطه جهان تغییر و تبدیل صنعت غالباً باعث بروز انعکاس گسترده در ممالک دوردست جهان می‌شد.

**نتایج اجتماعی انقلاب صنعتی**

**کارگران متمرکز در شهرها:** با پیدایش سیستم کارخانه‌ای، انتقال توده مردم از دهات کوچک زراعتی به شهرها شروع شد و عدد بی‌شماری کارگر به‌وجود آمد که از دارایی و سواد محروم بودند و برای امرار معاش مجبور بودند در کارخانه‌ها کار کنند تا مرئی به‌دست آورند. شرایط بد زندگی و کار؛ با پیشرفت سریع شهرهای صنعتی که درآنها به‌پدشاید با رفاه مردم اهمیتی داده نمی‌شد مسئله‌های کیفیی به‌وجود آمد و توده مردم را غرق کثافت هولناک می‌کرد. سرمایه‌داران و عاملان

آنها بدون اینکه کمترین اعتنایی به رفاه کارگران داشته باشند در ازای ساعت‌های طولانی کار در کارخانه‌ها مزدی جزئی می‌پرداختند.

**استفاده از بچه‌ها در کارخانه‌ها:** چون برای کار با ماشین کمتر احتیاج به قوت جسمانی و تجربه قبلی بود زن‌ها و به‌ویژه بچه‌ها از همسالگی به بالا به تعداد زیاد استخدام می‌شدند و از آنها با بی‌رحمی استفاده می‌شد. بچه‌هایی که والدین فقیر داشتند مانند بردگان به کار گماشته می‌شدند و حتی جمعیت‌های حامیان حقوق کارگران نمی‌توانستند از سختی‌هایی که بچه‌ها متحمل می‌شدند، بکاهند و گاهی بدون اغراق این بچه‌ها محکوم به مرگ بودند. این شرایط زشت و زننده بیش از نیم‌قرن در انگلستان ادامه داشت؛ ولی به تدریج اثر تلاش اصلاح‌طلبان و بیدار شدن وجدان عموم مردم وضع بهتر شد.

**ناایمنی و بیکاری دسته‌جمعی:** چون از طرفی تعداد کارگر بیش از احتیاج بود و از طرف دیگر کارگران دارای شخصی برای تأمین معیشت نداشتند، ترس از دست دادن شغل، اضطرابی کلی در ذهن آنها به‌وجود آورده بود؛ چراکه علاوه برامکان اخراج از کار اگر در تجارت هم کسادی رخ می‌داد ممکن بود کارخانه تعطیل شود و همه کارگران بیکار شوند. بیکاری دسته‌جمعی که موضوع جدیدی در تاریخ معاصر است یکی از بزرگ‌ترین مسائل اجتماعی است که پس از انقلاب صنعتی به‌وجود آمده است.

**مکانیزه شدن جنگ:** پیدایش سلاح‌های ویرانگر جنگی نتیجه پیدایش انقلاب صنعتی بود و باعث شد که جنگ به بالای اصلی در زندگی بشر بدل شود.

**نتایج سیاسی انقلاب صنعتی**

**روی کار آمدن طبقه بورژواز و طبقه متوسط:** سال ۱۸۳۳ به روی کارآمد و صاحب قدرت سیاسی مهمی شد. این لایحه اجازه می‌داد که عده‌ای از کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴۶ کرسی‌های پارلمان به مراکز جدید صنعتی تخصیص داده شود و از تعداد کرسی‌های نمایندگان شهرهای غیرصنعتی کاسته شود. همچنین حق رای به کسانی می‌داد که تا اندازه‌ای مرفه بودند؛ مثلاً به کسانی که می‌توانستند تا ۱۰ پوند اجاره خانه بپردازند. در نتیجه احساس بورژوازی بود که قانون غلات، قانونی که مدت زیادی به نفع اشراف و ملاکان بزرگ و به ضرر عامه مردم اجرا می‌شد، متعاقب حطی بزرگی که در سال ۱۸۴





## پرونده امروز

# اقتصاد از لنز تاریخ و ریاضیات

پرهام پهلوان: ارتباط بین تاریخ و اقتصاد همیشه مورد سوال و پیچیده بوده است. اقتصاد به دنبال یافتن و توضیح روابط تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات است. در حالی که تاریخ به توسعه، اتفاقات گذشته و ماهیت جوامع انسانی می‌پردازد. اقتصاددانان بسیاری به دنبال استفاده از داده‌های تاریخی در مدل‌ها و تصمیم‌گیری‌ها هستند و سعی می‌کنند از دل تاریخ روابط متغیرهای گوناگون را به دست آورند. تاریخ گرایی اقتصادی مطالعه تاریخ با استفاده از ابزارهای متدولوژیکال اقتصادی با توجه ویژه به پدیده‌های اقتصادی در تاریخ است. پژوهش‌ها در این حوزه ترکیبی از راه‌حل‌های تاریخی، داده‌های آماری و کاربرد تئوری‌های اقتصادی و تاریخی در مطالعه نهادهاست. بسیاری از اقتصاددانان به اهمیت اقتصاد اثباتی در توضیح وقایع به منظور دستیابی به فرضیه‌ها و رشد علم اقتصاد پرداخته‌اند که بدون مطالعه تاریخ در علم اقتصاد ممکن نیست. میلتون فریدمن، در مقاله متدولوژی اقتصاد اثباتی می‌گوید: «اقتصاد اثباتی، یک دانش عینی است، به عبارت دیگر همان حساسی را که علوم تجربی و فیزیکی می‌دهند القا می‌کند. با توجه به اینکه خود انسان در مطالعه اقتصاد مورد توجه است، آزمایش‌های انسانی با توضیح اتفاقات گذشته بهترین نوع داده‌ها را در اختیار قرار می‌دهند.» بعد از پیروزی جایزه نوبل توسط کلودیا گلدین به دلیل استفاده از رویکرد تاریخی در علم اقتصاد جلب شد. خیلی از اقتصاددانان طرفدار استفاده از تاریخ به عنوان آزمایشگاه برای آزمایش در دست و غلط بودن فرضیه‌های اقتصادی هستند؛ در حالی که برخی دیگر، این اهمیت را برای تاریخ در تصمیم‌گیری آینده قائل نیستند و تاریخ را تنها برای توضیح اتفاقات پیشین در نظر می‌گیرند. «باشگاه اقتصاددانان» در این پرونده از پژوهشگران و اقتصادخوانده‌ها خواسته است تا نقش ارتباط بین اقتصاد، تاریخ و فلسفه را روشن تر کنند.



## تاریخ برای اقتصاد مهم است؛ اما...



دکتر علی مزیکی  
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

جایزه نوبل اقتصاد ۲۰۲۳ به دلیل تحقیقات ارزشمند خانم کلودیا گلدین در زمینه حضور زنان در بازار کار به این استاد تاریخ اقتصاد دانشگاه هاروارد آمریکا تعلق گرفت. از بنده خواسته شد تا از دید مطالعات تاریخی اقتصاد در این مورد اظهار نظر کنم. مطالعات تاریخی علم اقتصاد، زمینه‌ای ارزشمند برای نظریه‌ها و عملکردهای اقتصادی معاصر فراهم کرده و در این چارچوب فهم چگونگی تکامل ایده‌های اقتصادی در طول زمان را امکان‌پذیر می‌کند. به طور کلی تجزیه و تحلیل تاریخ علم اقتصاد به

## چرا تاریخ مهم است؟



سید امیررضا الگجی  
پژوهشگر اقتصاد

تاریخ مهم است. اهمیت تاریخ صرفاً به این دلیل نیست که می‌توانیم از گذشته بیاموزیم، بلکه به دلیل آن است که حال و آینده به واسطه تداوم نهادهای یک جامعه با گذشته پیوند دارند. گذشته انتخاب‌های امروز و فردا را شکل می‌دهد و گذشته را فقط در قالب نقش مهمی در مطالعات اقتصاددانان از همه گرایش‌های فکری داشته است. برای نمونه مطالعات مانسرو اولسون از منطق اقدام جمعی و نقش انتظارات توزیعی در سرنوشت جوامع بشری مبتنی بر مطالعات تاریخی گسترده بود. الینور استروم و نهادگرایان جدید نیز از تاریخ برای نشان دادن نقش نهادها در حل و فصل معمای سواری معمای زبانی استفاده کردند. میلتون فریدمن تحقیق بارز برای تاریخ پولی ایالات متحده انجام داد و نوبل اقتصاد سال ۲۰۲۲ نیز به کلودیا گلدین که تاریخ نگار اقتصادی است تعلق گرفت. تمامی این مثال‌ها همچنان اهمیت تاریخ

شناسایی اشتباهات و شکست‌های گذشته کمک می‌کند و بینش‌هایی درباره جلوگیری از همان خطاها در زمان حاضر و آینده فراهم می‌سازد. به علاوه، این مطالعات پایه‌های فلسفی برای افکار اقتصادی فراهم کرده و به اقتصاددانان کمک می‌کند تا اصول و فرضیات اساسی را درک کنند. البته استفاده از داده‌های تاریخی مشکلاتی نیز دارد. منتقدان می‌گویند که شرایط و زمینه‌های اقتصادی در طول زمان تغییر می‌کند و مطالعات تاریخی ممکن است همیشه به صورت مستقیم برای شرایط فعلی قابل استفاده نباشند. آنچه در گذشته موفق یا ناموفق بوده، ممکن است امروز همان تاثیرات را نداشته باشد. این مساله بسیار اساسی است و حتی در مواردی اساسی مربوط به خودش را نیز دارد. برای مثال لوکاس اثر اجرا شدن سیاست را بر خود پیش فرض‌ها موثر می‌داند و آثار این موضوع

را در مطالعات اقتصادی نشان می‌دهند. نهادها آن ساختار اساسی‌ای را فراهم می‌آورند که این‌بشر به کمک آن در طول تاریخ نظم آفریده و با استفاده از آن تلاش کرده‌اند بی‌ثباتی در میانه‌ها را کاهش دهند. نهادها توأم با دانش فنی، هزینه‌های معاملاتی و هزینه‌های تبدیل (هزینه کل تولید) و به این ترتیب سودآوری و امکان‌پذیر بودن فعالیت اقتصادی را تعیین می‌کنند. نهادها گذشته را به حال و آینده مرتبط می‌کنند، در نتیجه تاریخ تا حد زیادی سرگذشت تحول تدریجی نهادهاست و در این سرگذشت، عملکرد تاریخی اقتصادها فقط بخشی از ماجراست. هنگام بررسی ثبات و تغییر در تاریخ، مساله مقدماتی این است که چه ترکیبی از نهادها به ما امکان می‌دهد منافع ناشی از تجارت را که در مدل استاندارد نئوکلاسیک (با فرض صفر بودن هزینه‌های معاملاتی) نهفته است به دست آوریم. این بحث در متن غیر تاریخی به اندازه کافی پیچیده است و در تاریخ به مراتب پیچیده‌تر می‌شود؛ زیرا تاریخ با لوح سفید شروع نمی‌شود، بلکه همیشه از گذشته نشأت می‌گیرد. الگوی وابستگی به مسیر طی شده، در بعضی موارد به الگوهای تولید و مبادله پایداری انجامیده است که متحول نشده و در یک وضعیت سکون نهادی گرفتار شده‌اند، در حالی که در برخی موارد تغییراتی پویا رخ داده است. برای نمونه الگوی وابستگی به مسیر که با تجارت برده و استعمار در آفریقا آغاز شد به یک تعادل نهادی پایدار و در عین حال ناکارایی منجر شده است که در آن نیروهای غیر مولد بر نیروهای مولد غلبه دارند. در سوی دیگر این ادعا مطرح است که یکی از علل پیدایش نهادهای کارآمد در اقتصاد آمریکای شمالی در نتیجه انتقال تاریخی-فرهنگی ارزش‌ها از اروپا بوده است. مطالعه تاریخ، ساختارهای انگیزشی را آشکار می‌سازد که کنش انسانی



بر مبنای آنها شکل می‌گیرد. حتی مدل‌های اخیر رشد نئوکلاسیک که با تاکید بر مفاهیم بازدهی‌های فزاینده (روم) و انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی (لوکاس) ساخته شده‌اند، شدیداً به ساختار ضمنی انگیزشی که مدل را هدایت می‌کند وابسته‌اند. به نظر من کاری است عبت که تلاش کنیم تجربه تاریخی به غایت متفاوت جوامع یا عملکرد نااهمسان کنونی اقتصادها را تبیین کنیم؛ بدون اینکه ساختار انگیزشی را که برآمده از نهادهاست، به عنوان یک جزء اصلی به حساب آورده باشیم. آنجا که نتایج تابع انگیزه‌ها و انگیزه‌ها تابع نهادهاست، برای فهم چگونگی پیدایش نهادها، تغییرات آنها و نحوه تاثیر آنها بر واگرایی میان جوامع به مطالعه تاریخ نیاز داریم. بنابراین مجدداً ذکر این نکته لازم است که تاریخ مهم است.

## گام معلق اقتصاد، چونان علمی تاریخی



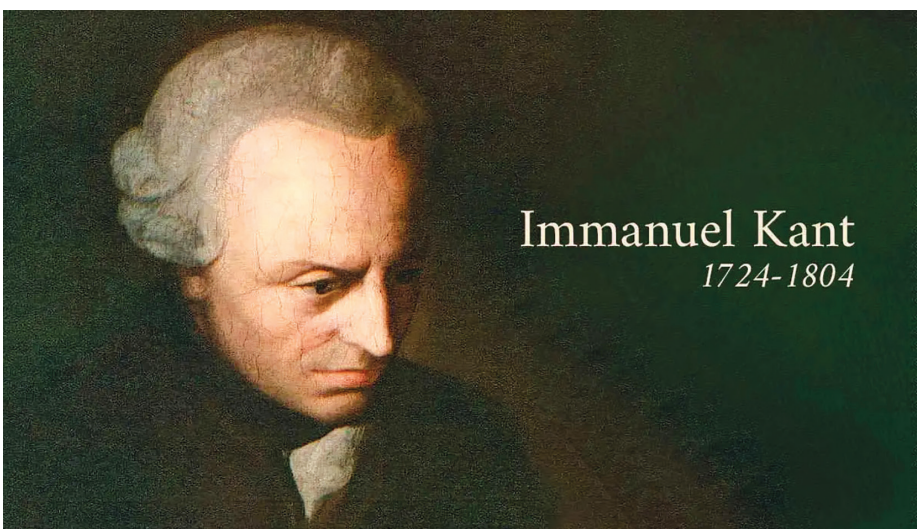
محمد آزاد  
پژوهشگر دکتری فلسفه

از مشهورات فلسفی که به دانشجوی نوکار و مبتدی می‌آموزند این است که فلسفه علمی است تاریخی و تنها علم تاریخی است و فلسفه یعنی همان تاریخ فلسفه. مقاصد تعلیمی به کنار-یعنی اینکه تمایز بگذارند میان علوم تا دانشجو فلسفه را از غیرفلسفه تشخیص بدهد- فلسفه تنها علم تاریخی نیست. هر علم انسانی، علمی است تاریخی. تشخیص اینکه کدام علم انسانی است و کدام علم، علوم به قول مشهور دقیقه است، همچنان پس از تلاش بسیار که آن را از جنگ فلسفه خارج کنند، در قلمرو حکومت فلسفه قرار دارد.

کانت در مقدمه نقد اول که به احتمال بسیار بیشتر از خود متن کتاب خوانده شد، سوالات متافیزیک را -متافیزیک یکی می‌خواهد به عنوان دیسیپلین عرضه شود و در محدوده عقل انسانی، یعنی مقید به زمان و مکان و مقولات محض فاهمه بگنجد- به چهار سوال محدود می‌کند و پس از پرسش از اینکه «چه می‌توانم بدانم؟» و «چه می‌توانم بخواهم؟» و یک سوال دیگر در سوال چهارم می‌پرسد: «انسان چیست؟» پس از این سوال، ناگزیر، متافیزیک فلسفی کانت و بسیاری پس از کانت، علمی انسانی است، پس می‌پرسیم علم انسانی چیست؟ فارغ از هر تلاش منسجمی که به دنبال پاسخ دادن به این پرسش باشد -برای نمونه تلاش ویلهلم دیلتای- می‌توان به شکل پیشینی گفت هر آن علمی که به هر شکلی با این پرسش سروکار داشته باشد، به این معنی که برای پاسخ دادن به سوالات خود ناگزیر از پاسخ دادن به این پرسش نیز باشد

هایدگر. از این رو و از این حیث دانش دیگری در مجموعه دانش بشری نمی‌توان سراغ گرفت که این چنین ارتباط زنده‌ای با تاریخ خود داشته باشد. علوم دیگر تاریخ خود را همچون مجموعه‌ای از شکست‌های متوالی می‌بینند تا برسد به امروز آنها. چه‌بسا اساساً نیازی به مطالعه تاریخ، بر فرض مثال، فیزیک برای فیزیکدان وجود نداشته باشد. برای رسیدن به قله پیروزی الزامی به بررسی تاریخ شکست‌های متوالی نیاکان وجود ندارد. اقتصاد، نه فیزیک است و نه فلسفه؛ نه همچون فلسفه با تاریخ خود این همانی دارد و نه مانند فیزیک بی‌نیاز از تاریخ خود می‌تواند کارش را ادامه دهد. این خصوصه از خصایص دانش‌هایی است که به نسبت جدید از قطار فلسفه -به عنوان حکمتی هم نظری و هم عملی- پیاده شده و هنوز فلسفه خود را برای خود نپروانده و از چشم‌انداز خود به پرسش «انسان چیست؟» پاسخ نداده‌اند.

میشل فوکو حکایت می‌کند پس از نگرارش تاریخ جنون و تاریخ کلینیک که همایشی مربوط به روان‌شناسی در کانادا دعوت شده بود. می‌گوید در این همایش عود هجوم جمعی از روان‌شناسان قرار گرفت که می‌گفتند چرا او این علم را همچنان نابالغ، شبه‌علم و پلیسی خوانده است. فوکو می‌گوید به این روان‌شناسان برافروخته گفتم همین برافروختگی نشان ناالهی رشتن‌های از دانش است که هنوز چونان علم عرضه نشده است. فیزیکدان تاریخ علم خود را، تاریخ اولین لغزش‌ها و شکست‌هایش را با اعتماد به نفس و با لیختندی که مختص نگاه پدری به نخستین گام‌های لرزان کودک است می‌نگرد و به ظاهر اقتصاد نیز هنوز به عنوان علم عرضه نمی‌شود. سرسختی و سعی در دور زدن و نادیده گرفتن پرسش‌هایی بنیادین، انسان چیست؟ تاریخ من تا کجا با من نسبت دارد؟ نشانه‌هایی است که می‌گوید اقتصاد هنوز گام‌های معلق و نخستین خود را برای بدل شدن به علمی پادرجا، مستقل و با اعتماد به نفس برمی‌دارد.



کانت در مقدمه نقد اول که به احتمال بسیار بیشتر از خود متن کتاب خوانده شد، سوالات متافیزیک را -متافیزیک یکی می‌خواهد به عنوان دیسیپلین عرضه شود و در محدوده عقل انسانی، یعنی مقید به زمان و مکان و مقولات محض فاهمه بگنجد- به چهار سوال محدود می‌کند و پس از پرسش از اینکه «چه می‌توانم بدانم؟» و «چه می‌توانم بخواهم؟» و یک سوال دیگر در سوال چهارم می‌پرسد: «انسان چیست؟»

به نظر می‌رسد این استدلال اگر مقدمات شهودی آن پذیرفته شود کامل شده است و نتیجه آنکه اقتصاد دانشی نیازمند فلسفه است؛ نه برای تفنن و گسترش دامنه معلوماتش، بلکه برای آنکه مبنای‌ترین زیربنادهای آن به پرسش «انسان چیست؟» گره خورده است. حتی اقتصاددانی که مشغول پاسخ دادن به این پرسش باشد برای مدتی از دایره علم اقتصاد با بیرون گذاشته و مشغول فلسفه‌ورزی است. دیگر سوال همچنان نیازمند پاسخ این است: «آیا هر علم انسانی و فلسفی، تاریخی نیز هست؟» و برای این کار باید

مقدمه دیگری باید اضافه کرد تا به مرز طرح سوال اصلی رسید؛ «علم انسانی، علمی تاریخی است؟» و وضوح در این سوال، سوالی پایه‌ای‌تر وجود دارد: «انسان موجودی تاریخی است؟» اگر پاسخ به این پرسش مثبت باشد، آن‌گاه هر علم انسانی، علمی تاریخی است و چنانچه اقتصاد به عنوان یک علم، برای بر رسیدن موضوع خود ناچار به پاسخ گفتن به سوال «انسان چیست؟» باشد، آن‌گاه بالضرره علمی انسانی و تاریخی و مابعد فلسفی است و نیز اگر بتوان نشان داد که هر علم انسانی و تاریخی، علمی است که بالضرره محتاج فلسفه است، حداقل برای پاسخ دادن به پرسش «انسان چیست؟» سپس می‌توان ادعا کرد که اقتصاد علمی نیازمند فلسفه است؛ هر چند دانشی جدا از آن باشد.

شهود و بدون نقد اول که به احتمال بسیار بیشتر از خود متن کتاب خوانده شد، سوالات متافیزیک را -متافیزیک یکی می‌خواهد به عنوان دیسیپلین عرضه شود و در محدوده عقل انسانی، یعنی مقید به زمان و مکان و مقولات محض فاهمه بگنجد- به چهار سوال محدود می‌کند و پس از پرسش از اینکه «چه می‌توانم بدانم؟» و «چه می‌توانم بخواهم؟» و یک سوال دیگر در سوال چهارم می‌پرسد: «انسان چیست؟»

شبهه‌های متفاوتی همچون تحلیل کیفی تمرکز کنند. در مقابل، گروهی دیگر همچون نگهبانان معبد مقدس، هرگونه ورود تحلیل‌های فلسفی، جامعه‌شناسختی، تاریخی و سیاسی به یک مدل اقتصادی را نشانه ضعف تحلیل می‌دانند. این زاویه‌نگاه ممکن است باعث ایجاد خطای شناختی در تحلیل مسائل روز شود. واقعیت آن است که هر چه ما در حال حاضر در اقتصاد بدیهی می‌پنداریم، حاصل سال‌ها بحث فلسفی و تاریخی است و اتفاقاً آنچه اقتصاد مرسوم را از خطرات حفظ کرده، توجه به این مباحث است. نظریه پردازان با تحلیل داده‌ها به صورت منظم اثر تغییرات اجتماعی، مباحث روان‌شناختی و وقایع سیاسی را بر نظام اقتصادی مورد بررسی قرار داده و بر این اساس نظریات خود را صورت‌بندی می‌کنند. به عنوان مثال، مصرف، زمانی موتور محرکه اقتصاد شد که دیگر زهد یک ارزش پذیرفته شده نبود. پیش از آن و در دوره قرون وسطی، امساک در مصرف نشانه تقوا و تلاش برای جمع‌آوری



کتاب «تاریخ عقاید اقتصادی» دکتر فریدون تفضلی یکی از کتاب‌هایی است که سال‌هاست چراغ راه ارتباط دانشجویان اقتصاد با تاریخ اقتصاد است.

## دوگانه موهوم آموزش اقتصاد



امیر قاسمی  
پژوهشگر اقتصاد

نظریه‌پردازی در هر شاخه علمی که با انسان ارتباط دارد، بدون در نظر گرفتن پیشینه تاریخی موضوع و مبانی فلسفی آن امکان‌پذیر نیست. در حال حاضر علاوه بر رشته‌های علوم انسانی، کاربرد مباحث فلسفی مرتبط با پزشکی و علوم کامپیوتر نیز در مجامع دانشگاهی بین‌المللی مورد توجه است. از سوی دیگر ارائه شواهد تجربی برای تأیید یک نظریه ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین استفاده از آمار و ریاضی در علوم انسانی به یک اصل بدیهی تبدیل شده است. طبیعی است که علم اقتصاد بر پایه دو دستون

ثروت امری مذموم به حساب می‌آمد. تجدید نظر در این طرز تفکر بود که موجب آغاز دوران جدیدی در اقتصاد اروپا شد. تعریف نوینی که متفکران مسیحی ارائه کردند، کاملاً برخلاف آن چیزی بود که قرن‌ها کلیسای کاتولیک تبلیغ می‌کرد. بر این اساس، آنچه ارزش و در واقع ثواب تلقی می‌شد تلاش برای رسیدن به هدف رفاہ بیشتر بود. در واقع بر مبنای این ایده نهاد‌های اقتصادی جدید به وجود آمده‌اند. علاوه بر این، ساختار سیاسی جدید بر پایه دولت-ملت‌ها و حرکت از بازی‌های جمع صفر به سمت تجارت بر مبنای همکاری از دیگر محورهای سیاسی و فلسفی اقتصاد مدرن است. بنابراین همان طور که مشخص است در تحلیل‌های اقتصادی، شناخت درست از بسترهای تاریخی، فلسفی و جامعه‌شناختی موضوع و استفاده از مدل‌سازی ریاضی برای تأیید نظریه مکمل یکدیگر هستند و منازعات موجود در بستر دانی یکی از این پایه‌ها بیشتر به یک بحث کودکانه شباهت دارد.





## کینز و فرارهای بیهوده از تاریخ و فلسفه



دکتر سروش معروفی  
فراغ‌التحصیل دانشکده تورنتو و پژوهشگر تاریخ و فلسفه اقتصاد در دانشگاه دوک

«سیار خوب؛ خدا رسید. او را در قطار ۵: ۱۵ ملاقات کردم!» جمله‌ای کوتاه که خیر از اضطراب و هیجان نویسنده‌اش می‌داد. این بخشی از نامه «جان مینارد کینز» به همسرش «لیدی لویو کووا» است، در ژانویه سال ۱۹۲۹. کینز آرام و قرار نداشت؛ خدایش به کمبریج برگشته بود، یعنی همان فیلسوف شهیر اتریشی که در پیش گفتار کتاب خود با عنوان «رساله منطقی-فلسفی تراکتاتوس» (۱۹۲۱) اعلام کرده بود مسائل فلسفه را برای همیشه حل کرده است؛ همان که پس از انتشار کتابش دیگر دلیلی برای ادامه تحقیق و تفحص فلسفی ندید و به کار تدریس در مدارس دولتی مشغول شد و کارهای پاره‌وقت دیگر، یعنی «لودویگ ویتگنشتاین»، در تمام آن سال‌هایی که ویتگنشتاین کمبریج را ترک و فلسفه را رها کرده بود، کینز بارها تلاش کرد او را به کمبریج بازگرداند، با این امید که شاید ویتگنشتاین بار دیگر به کار و پژوهش فلسفی دین بندد. کینز سرانجام به آنچه می‌خواست رسید. خدایش با قطار ۵: ۱۵ به کمبریج بازگشت؛ بازگشتی که می‌رفت تا تاریخ اندیشه بشر را برای همیشه دگرگون کند.

فضای دانشگاه کمبریج در سال ۱۹۲۹ به شدت متأثر از بازگشت ویتگنشتاین به آنجا شده بود. یکی از حلقه‌هایی که با محوریت ویتگنشتاین شکل گرفت «گروه کافه تریا» نام داشت. به جز ویتگنشتاین و کینز، «فریک رمزی»، فیلسوف، اقتصاددان ریاضی دان انگلیسی و «پیرو سرافا»، اقتصاددان ایتالیایی، دیگر اعضای آن گروه بودند. شواهد تاریخی زیادی از بحث‌هایی که در این گروه شکل گرفت باقی نمانده؛ اما گزارش شده که این چهار نفر به طور مکرر با یکدیگر ملاقات می‌کردند و از جمله در خصوص سوبه‌های فلسفی مفهوم احتمال با یکدیگر گفت‌وگو می‌کردند. صحبت از مفهوم احتمال در آن جمع عجیب به نظر نمی‌رسد. کینز با انتشار کتاب باب احتمال در سال ۱۹۲۱ تحول عظیمی در تفسیر مفهوم احتمال ایجاد کرده بود. او بر این باور بود که احتمال مفهومی منطقی است، نه مفهومی ذهنی (چنانچه مفسران احتمال که متأثر از سنت «توماس بیز»، آماردان و فیلسوف انگلیسی بودند می‌گفتند)؛ مفهومی که تنها به فراوانی وقایع در جهان امکان کند (چنانچه «جان ون»، فیلسوف و منطق‌دان انگلیسی و هم‌رانش استدلال می‌کردند). نگاهی مشابه با تفسیر منطقی کینز از احتمال در برخی از سطور «تراکتاتوس» ویتگنشتاین، کتابی که به طور عمده توسط رمزی ترجمه شده بود، نیز فرض شده بود. از آن طرف رمزی در مقاله خود با عنوان «حقیقت و احتمال» (۱۹۲۶) تفسیر کینز از احتمال را به شدت نقد کرده و استدلال آورده بود که احتمال، مفهومی ذهنی و قابل سنجش است و سعی کرده بود نشان

دهد که چطور تفسیر ذهنی خود از احتمال به ما کمک می‌کند تا به مدلی از تصمیم‌گیری افراد برسیم. سرنوشت متفاوتی در انتظار اعضای گروه کافه‌تری بود. در سال ۱۹۲۹ رمزی بارها فلسفه متقدم ویتگنشتاین را در جمع‌های خصوصی‌اش و در مقالاتش نقد کرد. در نهایت عمر رمزی در ژانویه سال ۱۹۳۰ و در ۲۶ سالگی به پایان رسید و اولین کتاب فلسفی‌اش برای همیشه نیمه‌کاره ماند. سرافا هم رفته‌رفته منتقد فلسفه متقدم ویتگنشتاین شد و سعی کرد به وی نشان دهد که فهم درستی از مفهوم «معنا» در عالم فلسفه ندارد؛ نقدی که به گفته برخی محققان در آثار اقتصادی سرافا در اواسط دهه ۱۹۲۰ ریشه داشت.

ویتگنشتاین از مرگ رمزی، نزدیک‌ترین هم‌راهش در آن ایام، به شدت متأثر شد. او برای اولین بار و تنها یک روز پس از مرگ رمزی در دفترچه روزانه‌اش در دفاع از نگاه فلسفی رمزی و در انتقاد از نگاه متقدم خودش به فلسفه نوشت. «ویتگنشتاین در نهایت در پیش گفتار کتاب «پژوهش‌های فلسفی» (۱۹۵۳) که بیانگر نگاه متأخرش به فلسفه بود و پس از مرگش منتشر شد، از رمزی و سرافا برای نشان دادن اشتباهات پیشینش تشکر کرد. کینز مسیر دیگری را در پیش گرفت. او نیز از مرگ زودهنگام رمزی شوکه شد. دو ماه پس از مرگ رمزی یادداشتی در مدح رمزی و آثارش نوشت و برخی از نکات انتقادی رمزی در نقد تفسیر منطقی‌اش از احتمال را پذیرفت. کینز بعد از آن دیگر هیچ‌گاه متنی فلسفی ننوشت. اما از طرف دیگر در کلاس‌های درس اقتصادش در اوایل دهه ۱۹۳۰ گاهی به طور ضمنی به نقد رمزی به فلسفه متقدم ویتگنشتاین اشاراتی کرد. کمی بعد کینز از محتوای آنچه در کلاس‌های درسش می‌گفت در نگارش برجسته‌ترین کتاب اقتصادی خودش استفاده کرد؛ کتابی که مسیر تاریخ اندیشه اقتصاد را برای همیشه تغییر داد: «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» (۱۹۳۶).

برای آن دسته از افرادی که در نسبت معرفتی اقتصاد و فلسفه تردید دارند، آنچه در سطور بالا گفته شد شاید عجیب به نظر برسد. چطور می‌شود که اقتصاددانی همچون کینز خدایی در قامت یک فیلسوف داشت؟ برای چه با آن همه کار و مشغله وقت خودش را در گروهی می‌گذراند که کار و بیگانه در مباحث فلسفی پیرامون مفهوم احتمال غرق می‌شدند؟ اصلاً برای چه کینز کتابی قطور در تبیین نگاهش در فلسفه احتمال نوشت و چرا اشاراتی به نقد رمزی به فلسفه متقدم ویتگنشتاین در کلاس‌های درس اقتصادش می‌کرد؟ مگر کینز اقتصاددان نبود؟ او را فلسفه چه کار؟ آن که گمان می‌کنند فلسفه نمی‌تواند فایده‌ای

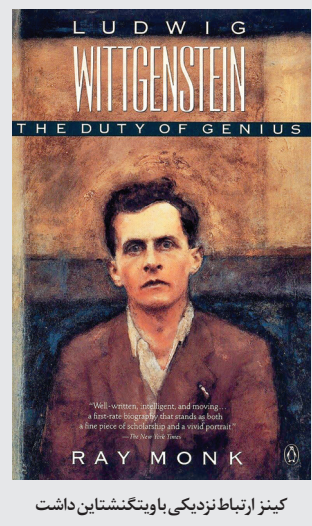


کینز ارتباط خوبی با اندیشمندان سایر حوزه‌ها داشت و علاقه‌مند به گفت‌وگو با ادبا، فلاسفه و اهالی تاریخ بود. در عکس مباحثه استرچی، کینز و راسل را می‌بینید.

بیگانه‌اند و با این حال به حل برخی از سوالات مهم اقتصادی بشر می‌پردازند. اما من از فرارسیدن روزی می‌ترسم که آن دسته از اقتصاددان‌هایی که کار خود را محدود به بسط میراث گذشتگان می‌دانند (و نه پرسش از خصلت آن میراث) آن قدر زیاد شوند که اهمیت نفس‌پرشی از عادات و رسوم معرفتی‌مان را از یاد ببریم. آن روز نه تنها در موضع ضعف معرفتی قرار خواهیم گرفت، بلکه باید هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیاری بپردازیم. آنکه تاریخ و فلسفه می‌داند، می‌تواند اقتصاددانان در مقابل تهاجم ایده‌های فلسفی و تاریخی بپردازند تصوری بسیار مبهم داشته باشد همواره محافظ عادات و سنت‌های معرفتی زمانه خود خواهد بود، هر چند تلاش خواهد کرد تا توسل به آنها و در چارچوبشان به خلق ایده‌ها و تحلیل‌های اقتصادی تازه‌ای برسد. کینز این را خوب می‌دانست: راه فراری از تاریخ و فلسفه نیست.

۱. منبع برای این نقل قول: Ray Monk, Ludwig Wittgenstein: The Duty of Genius (New York: Macmillan, 1991), 255.
۲. دو نمونه از منابعی که به گروه کافه‌تری اشاره کرده اند: - Christian Ydesen, "The Hayek-Sraffa Controversy in 1932 - A Philosophy of Science Perspective," The European Journal of the History of Economic Thought, 23, no. 5 (2016): 814-834, 815.
3. John B. Davis, "Sraffa, Wittgenstein and Neoclassical Economics," Cambridge Journal of Economics, 12, no. 1 (1988): 29-36.
4. Cheryl Misak, Frank Ramsey: A Sheer Excess of Powers (Oxford University Press, 2020), 420.
5. Bradley W. Bateman, "Pragmatism and Probability: Re-examining Keynes's Thinking on Probability," Journal of the History of Economic Thought, 43, no. 4 (2021): 619-632.
۵. در این باره می‌توان به دو اثر دکترایی که در دانشگاه کمبریج در دهه ۱۹۸۰ نوشته و منتشر شد اشاره کرد: - Anna M. Carabelli, On Keynes's Method (Palgrave Macmillan, 1988).
- Rod O'Donnell, Keynes: Philosophy, Economics, and Politics (Palgrave Macmillan, 1989).

به او خود رسید. در پایان می‌خواهم بگویم که اعتماد به نفس روش‌شناختی اقتصاددانان متعارف معاصر، اعتماد به نفسی کاذب است. این ادعا که چنین مفاهیم و چونان ابزارآلاتی برای تحلیل اقتصادی کافی هستند و اقتصاد نیازی به تاریخ و فلسفه ندارد خود ادعایی روش‌شناسانه است که دفاع یا نقد آن ما را ناچار به وادی روش‌شناسی اقتصاد می‌کشاند و سوبه فلسفی بحث‌های اقتصادی. آنان که تصور می‌کنند باید به دفاع از مرزهای سرزمین اقتصادشان در مقابل تهاجم ایده‌های فلسفی و تاریخی بپردازند تصوری بسیار مبهم داشته باشد همواره محافظ عادات و سنت‌های معرفتی زمانه خود خواهد بود، هر چند تلاش خواهد کرد تا توسل به آنها و در چارچوبشان به خلق ایده‌ها و تحلیل‌های اقتصادی تازه‌ای برسد. کینز این را خوب می‌دانست: راه فراری از تاریخ و فلسفه نیست.

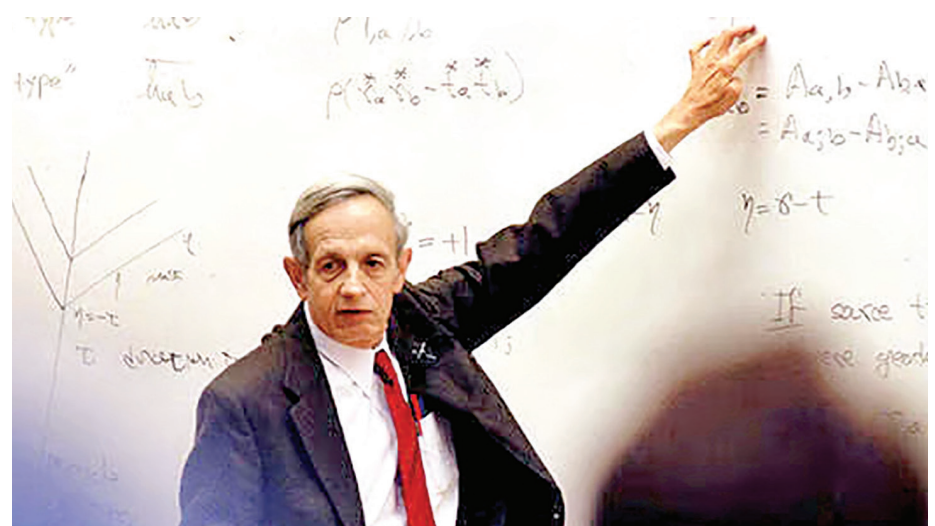


کینز ارتباط نزدیکی با ویتگنشتاین داشت

در کارهای اقتصادی‌شان بهره می‌گیرند و از طرف دیگر این روزها می‌توانید در بسیاری از بهترین دانشگاه‌های جهان دکترای اقتصاد بگیرید بدون آنکه ملزم باشید حتی یک‌واحد درسی تاریخ یا فلسفه بخوانید. انگار اقتصاددانان متعارف معاصر کمر بسته‌اند تا مرزهای بین آنچه را که به آن اقتصاد می‌گویند با دیگر رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی که تاریخ عقاید اقتصادی نیز می‌تواند راهگشای فهم اقتصادی ما باشد. همه سطور بالا را نوشتیم تا با ذکر مثال‌هایی روش‌نگری که اقتصاددان‌ها می‌توانند به شکلی آگاهانه از فلسفه یا تاریخ در آثار اقتصادی خودشان بهره بگیرند؛ فقط همین. آیا این ادعا دلالت بر آن دارد که اقتصاددان‌هایی که می‌خواهند از فلسفه و تاریخ در کارشان استفاده کنند باید ریاضیات و آمار و عدد و رقم را کنار بگذارند؟ خیر. فلاسفه و مورخان خودشان گاهی از ریاضیات و آمار و عدد و رقم در کارهایشان استفاده می‌کنند. بهره جستن از فلسفه و تاریخ به معنای کنار گذاشتن چنین ابزارهای ارزشمندی نیست. آیا می‌خواهم بگویم که اگر اقتصاددانی به طور آگاهانه از فلسفه یا تاریخ در آثارش استفاده نکند الزاماً ارزش کارش نازل‌تر از آنانی است که چنین می‌کنند؟ باز هم خیر. شاید خوانش فلسفه و تاریخ هیچ کمکی به حل یک مسأله ریاضیاتی خاص در اقتصاد نکند. همه سطور بالا را نوشتیم تا بگویم آن دسته از اقتصاددان‌هایی که در دنیای فلسفه و تاریخ را برای همیشه به روی خود بسته‌اند بهتر است در رویکرد روش‌شناسانه خود تجدید نظر کنند؛ چرا که خودشان را بدون دلیل موجهی از منابع معرفتی پرفایده‌ای محروم می‌کنند که در پارهای موارد می‌توانند راهگشای مطالعات اقتصادی‌شان باشند.

گمان می‌کنم هرچه می‌گذرد به تعداد اقتصاددان‌هایی که در دنیای فلسفه و تاریخ را به روی خود می‌بندند اضافه می‌شود. اینکه آیا در واقع چنین است یا خیر، خودش پرسشی تجربی و قابل مطالعه است. اما من در حال حاضر به چنین مطالعه‌ای دسترسی ندارم و به این شاهد غیرمتقن و نادقیق بسنده می‌کنم که از طرفی از «آدام اسمیت» و «دیوید هیوم» در قرن هجدهم گرفته تا «کارل مارکس» و «استنلی جونز» در قرن نوزدهم و کینز و رمزی در قرن بیستم شما با اقتصاددانانی طرف هستید که آگاهانه از آثار فلسفی یا تاریخی خود

زمان شروع شد که تغییری در سطح روش‌شناسی در میانه سده بیستم در بین اقتصاددان‌ها پیدا شد؛ نگرشی که ادعان داشت اقتصاد نه تنها مفاهیم، ابزارآلات کافی را برای تحلیل پدیده‌های اقتصادی دارد، بلکه همین مفاهیم و ابزارآلات را دیگر رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی نیز باید برای حل مسائل خود به کار گیرند؛ نگرشی که در آثار «گری بکر»، از پیشروان مکتب اقتصادی شیکاگو در نیمه دوم سده بیستم و در تحلیل‌های اقتصادی وی از پدیده‌هایی که به طور عمده غیراقتصادی قلمداد می‌شدند (چون ازدواج و تبعیض نژادی)



جان‌ش یکی از کسانی بود که با استفاده گسترده از ریاضیات در علم اقتصاد، راه را برای توسعه روش‌های علمی تبیین تصمیم‌گیری در محیط‌های اقتصاد باز کرد.

فرضیه‌ها را مورد آزمون قرار داد، نظریات را گسترش داد و اعتبار نظریات را سنجید. از سوی دیگر، این روش‌های کمی هستند که به اقتصاددانان فرصت پیش‌بینی و شبیه‌سازی می‌دهند تا یک سیاست اقتصادی را پیش‌بینی کنند و آثار بعدی آن را مورد سنجش قرار دهند و آثار یک سیاست اجرا شده را تحلیل و ارزیابی کنند. اما همه اینها به معنای بی‌اهمیت بودن تاریخ در اقتصاد یا اهمیت کمتر آن است؟ وقتی از تقابل بین تاریخ و ریاضیات - که شاید بتوان نمایندگان تحلیل‌های کیفی و کمی دانست - در اقتصاد حرف می‌زنیم به سختی می‌توانیم کاملاً «با» و کاملاً «بر» دیگری باشیم. در واقع بدون تعادل و تناسب بین این دو، هیچ‌یک کافی نیست. تحلیل خروجی یک مدل کمی، بدون درک زمینه تاریخی آن یا بدون بررسی ساختار اجتماعی مورد مطالعه،

احتمالاً کامل نخواهد بود. روندهای بلندمدت و تغییرات ساختاری، تنها با زبان اعداد، قابل توصیف نیستند. اینکه صنایع چگونه تکامل پیدا کردند، اینکه فناوری‌های جدید چگونه اقتصاد را تغییر دادند، اینکه الگوهای جمعیتی در طول زمان چگونه در شکل‌گیری متغیرهای اقتصادی نقش داشتند، اینکه نوآوری چگونه پدید آمد یا نابرابری چگونه از میان رفت، نیاز به درک مناسبی از تاریخ و استفاده درست از روش‌های کیفی در کنار روش‌های کمی دارد. با اینکه برخی می‌گویند اقتصاددانان ریاضیدان‌هایی هستند که به اندازه کافی در اقتصاد خوب نبودند، برخی دیگر می‌گویند یک اقتصاددان نه تنها باید ریاضیدان و مورخ، بلکه باید فیلسوف و سیاستمدار هم باشد. شاید همه اینها در کنار هم، لازم بودن و کافی نبودن تاریخ و ریاضیات را در اقتصاد تأیید می‌کند.



لئون والراس مبدع نظریه تعادل عمومی در اقتصاد و از اقتصاددانان مارژینالیست از نخستین کسانی بود که ریاضیات را برای تبیین علم اقتصاد به کار گرفت.

و اینجاست که روش‌های کمی از ریاضیات و آمار به اقتصاد وارد شده‌اند. ورود ریاضیات، آمار و در سطوح پیشرفته‌تر، اقتصادسنجی و دیگر روش‌های کمی به اقتصاد آن قدر هست که دانشجویان این رشته را متعجب کند و حتی برای برخی که اقتصاد، انتخاب آنها برای گریز از ریاضی و آمار و اعداد و ارقام و مدل‌ها بوده است، می‌تواند دل‌سردکننده باشد. حتی نگاهی به واحدهای درسی مقاطع مختلف هم نشان می‌دهد که دروس که با پایه کمی، وزن قابل توجهی در اقتصاد به عنوان یک رشته دانشگاهی دارند که هنوز هم در بسیاری از دانشگاه‌ها، در دانشکده‌های علوم اجتماعی و نه مهندسی، تدریس می‌شود. شاید بتوان اولین ردهای ریاضیات در اقتصاد را از قرن نوزدهم جست‌وجو کرد؛ جایی که والراس نظریات خود را در برهه تعادل بازارها گسترش می‌داد. از بین اقتصاددانان متأخر هم

## در خدمت و خیانت ریاضیات



مریم علم‌هدی  
پژوهشگر اقتصاد و فراغ‌التحصیل علوم دانه

شما می‌توانید ریاضیدان باشید و یکی از مهم‌ترین جویای علمی، مثلاً جایزه نوبل را در رشته اقتصاد دریافت کنید؛ مثل جان‌ش ریاضیدان که در سال ۱۹۹۴ نوبل اقتصاد گرفت. این می‌تواند به معنای اهمیت ریاضیات و به طور کلی، روش‌های کمی در اقتصاد باشد. در عین حال می‌توانید اقتصاددانان باشید و مسأله اقتصاد مدرن را تاریخ‌دانی اقتصاددان‌ها بدانید؛ مثل جان کنت گالبرایت، اقتصاددانی که گاهی در مقابل جریان متعارف اقتصاد قرار می‌گرفت. تقابل روش‌های کمی و کیفی در علم اقتصاد، موضوع جدیدی نیست، با اینکه اقتصاددان‌ها تقریباً از هر دو آنها استفاده می‌کنند، به یکی از آنها بیشتر گرایش دارند. آیا این به معنای برتری یکی بر دیگری است؟

اقتصاددان‌ها مانند دانشمندان علم دیگر که به جامعه، سیاست و رفتار انسان‌ها می‌پردازند - اگر بپذیریم که این علم، رفتار اقتصادی جوامع انسانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد - به تاریخ نیاز دارند؛ چرا که تاریخ می‌تواند درک ما را از زمان حال بسازد و در پیش‌بینی آینده کمک کند. تاریخ می‌تواند مجموعه‌ای از شواهد تجربی را در اختیار اقتصاددانان قرار دهد. همچنین اقتصاددان‌ها می‌توانند با مطالعه تاریخ، تأثیر بلندمدت رویدادهای تاریخی بر متغیرهای اقتصادی را مطالعه کنند. فرض کنید به عنوان مثال، چند دهه بعد، اقتصاددانی فقط با نمودارها و داده‌ها سر و کار داشته باشد. احتمالاً این فرد نخواهد توانست به راحتی توجیهی برای تغییر روندها در دوران همه‌گیری کرونا پیدا کند. از طرف دیگر، اقتصاددان‌ها به ابزارهای مدل‌سازی فرضیه‌ها و نظریاتشان نیاز دارند





بازار آتی

فراراد	شرح هر واحد معاملاتی	قیمت ریال
SILES02	قرارداد آتی نقره تحویلی اسفندماه ۱۴۰۲	۴۲۷,۰۰۰
SILOR03	قرارداد آتی نقره تحویلی اردیبهشتماه ۱۴۰۳	۴۶۴,۰۰۰
ETCF03	قرارداد آتی صندوق طلای لوتوس تحویلی فروردینماه ۱۴۰۳	۲۳۴,۰۰۰
ETCKH03	قرارداد آتی صندوق طلای لوتوس تحویلی خردادماه ۱۴۰۳	۲۵۵,۲۰۰
ETCMO03	قرارداد آتی صندوق طلای لوتوس تحویلی مردادماه ۱۴۰۳	۲۷۷,۸۰۰
ETCME03	قرارداد آتی صندوق طلای لوتوس تحویلی مهرماه ۱۴۰۳	۳۰۳,۹۰۰
SAFES02	قرارداد آتی زعفران نگین تحویلی اسفندماه ۱۴۰۲	۷۹۹,۸۰۰
SAFOR03	قرارداد آتی زعفران نگین تحویلی اردیبهشتماه ۱۴۰۳	۸۴۹,۲۰۰
SAFTR03	قرارداد آتی زعفران نگین تحویلی تیرماه ۱۴۰۳	۹۲۱,۵۰۰
KBFA03	قرارداد آتی صندوق طلای کهربا تحویلی فروردینماه ۱۴۰۳	۳۱,۵۰۰
GB15E502	قرارداد آتی شمش طلای خام ۹۹۵ تحویلی ۱۵ اسفندماه ۱۴۰۲	۳۷,۵۰۰,۰۰۰
GB31OR03	قرارداد آتی شمش طلای خام ۹۹۵ تحویلی ۳۱ اردیبهشتماه ۱۴۰۳	۴۰,۴۰۰,۰۰۰
GB31TR03	قرارداد آتی شمش طلای خام ۹۹۵ تحویلی ۳۱ تیرماه ۱۴۰۳	۴۳,۹۵۰,۰۰۰
GB27SH03	قرارداد آتی شمش طلای خام ۹۹۵ تحویلی ۲۷ شهریورماه ۱۴۰۳	۴۸,۸۹۰,۰۰۰

زنجیره فولاد

نوع کالا	قیمت معاملاتی ریال بر هر کیلوگرم	تاریخ
کنسانتره سنگ آهن چادرمولو	۳۶,۶۹۲	۱۴۰۲/۱۱/۲۱
گندله سنگ آهن گهر زمین	۴۸,۶۴۹	۱۴۰۲/۱۱/۲۱
گندله سنگ آهن معدنی و صنعتی گل گهر	۴۸,۰۱۸	۱۴۰۲/۱۱/۲۱
آهن اسفنجی آهن و فولاد غدیری ریز	۱۳۸,۵۰۶	۱۴۰۲/۱۱/۲۱
آهن اسفنجی توسعه آهن و فولاد گل گهر	۱۳۷,۰۵۴	۱۴۰۲/۱۱/۲۱
شمش بلوم (۱۵۰*۱۵۰) SSP فولاد خوزستان	۲۱۵,۹۸۱	۱۴۰۲/۱۱/۲۳
میگردد متوسط ۱۶، ۱۸، ۲۰ ذوب آهن اصفهان	۲۲۰,۰۴۲	۱۴۰۲/۱۱/۲۵

پلیمر خاورمیانه

نوع کالا	کف قیمت - دلار	سقف قیمت - دلار
پلی اتیلن سنگین	۹۲۴	۹۲۶
پلی اتیلن سبک	۱,۰۰۹	۱,۰۱۱
پلی اتیلن سبک غطی	۹۱۴	۹۱۶
پلی پروپیلن نساجی	۸۴۴	۸۴۶
پلی پروپیلن تزریقی	۸۴۴	۸۴۶
منبع: Inpia		

بازار جهانی

محصول	قیمت - دلار به ازای تن
آلمینیوم	۲,۲۵۰/۰۰
نیکل	۱۶,۳۰۸
سرب	۲,۰۴۳/۵۰
روی	۲,۳۶۸/۵۰
مس	۸,۳۹۶
قلع	۲۷,۰۸۵/۰۰
نرخ های اعلامی، قیمت غیررسمی لحظه ای از بازار فلزات پایه است.	

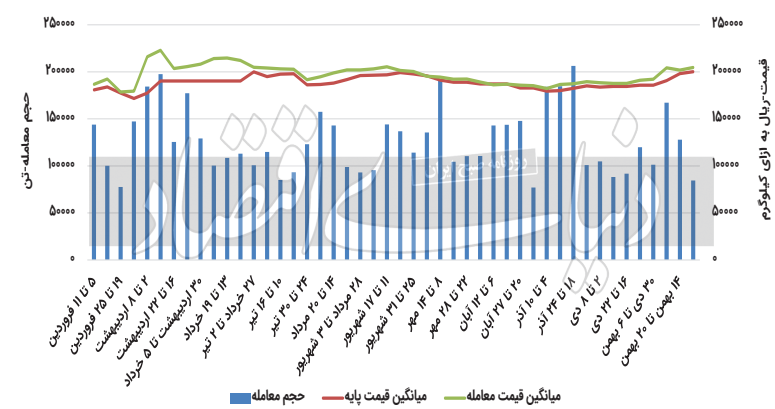
هیجان فروش از بازار فیزیکی محصولات فولادی رخت بریست

# عقب نشینی مشتریان مصرفی میگردد

اختلاف قیمت میگردد در بازار آزاد و بازار فیزیکی موجب شد تا مشتریان واقعی و نورد کاران از خرید شمش در تالار صنعتی امتناع کنند و با وجود افزایش ۱۴ درصدی قیمت شمش طی هفته گذشته، میزان معاملات برای این محصول میانی زنجیره فولاد ۳۵ درصد نسبت به هفته پیش از آن کاهش داشت و در رینگ فیزیکی میگردد نیز فقط ۱۳ درصد از میگردد های عرضه شده مورد معامله قرار گرفت.



نوسان قیمت عرضه و فروش و حجم معامله شمش فولاد در بورس کالا



شمش فولاد در رینگ فیزیکی نشد و این شرایط موجب شد تا میزان معاملات در خلاف جهت قیمت حرکت کند و مشتریان از خرید شمش مصرفی خود در بازار فیزیکی امتناع کنند. در روز ۲۳ بهمن ماه سال جاری بورس کالا میزان بیش از ۲۳۹ هزار و ۲۴۳ تن شمش فولادی بود که با توجه به تقاضای ۷۰٪ برابری و با احتساب معاملات مجینگ ۳۵ درصد این عرضه ها مورد معامله قرار گرفت. به عبارت بهتر ۸۴ هزار و ۴۶۵ تن شمش مورد معامله قرار گرفت. قیمت میانگین موزون شمش در معاملات روز ۲۱ بهمن ماه ۲۰ هزار و ۴۷۰ تومان به ازای هر کیلوگرم بود که نسبت به هفته گذشته افزایش ۱۶٫۴ درصدی را ثبت کرد. در هفته چهارم بهمن ماه حجم فروش شمش فولاد در رینگ فیزیکی بورس کالا ایران به کمترین میزان خود پس از هفته پایانی آبان ماه امسال رسید. افزایش قیمت پایه شمش در رینگ فیزیکی در حالی رقم خورد که قیمت آهن اسفنجی در این بازار کاهش عجیب ۱۱ درصدی را به ثبت رساند و به ۱۲ هزار و ۸۷۳ تومان به ازای هر کیلوگرم رسید. به عبارت بهتر ادامه رکود در بازار مقاطع طولی و نبود مشتری مصرفی برای

این محصول و همچنین کاهش قابل توجه قیمت آهن اسفنجی در رینگ فیزیکی از مهم ترین دلایل فروکش تقاضا برای شمش فولادی عرضه شده در تالار صنعتی و معدنی بورس کالا ایران هستند. این در حالی است که طی روزهای گذشته نرخ ارز در بازار آزاد به عنوان محرک دیگر اثرگذار بر قیمت ها در کف کانال قیمتی ۵۵ هزار تومان نوسان محدود داشت که این موضوع نیز از فروکش تقاضا در رینگ شمش فولاد کاست. در حالی میانگین نرخ فروش شمش فولاد از رینگ فیزیکی بورس کالا ایران ۲۰ هزار و ۴۷۰ تومان به ازای هر کیلوگرم به ثبت رسیده است و با احتساب هزینه تبدیلی ۱٫۱ برابر بهای شمش فولاد و هزینه حمل حداقل ۵۰۰ تومانی برای انتقال شمش به واحدهای نورد، قیمت تمام شده تولید هر کیلوگرم میگردد با شمش های عرضه شده در رینگ فیزیکی حدود ۲۵ هزار و ۲۰۰ تومان رقم می خورد و این در حالی است که در بازار آزاد قیمت هر کیلوگرم میگردد حدود ۲۴ هزار تومان اعلام شده و از این رو نرخ فروش میگردد در بازار آزاد به عنوان مانعی برای افزایش قیمت شمش در تالار صنعتی عمل می کند.

طی چند هفته گذشته افزایش قیمت پایه انواع محصولات زنجیره فولاد شده بود و از این رو هیجان معاملات به تالار صنعتی و معدنی بورس کالا ایران بازگشته بود. اما با توقفا ارز تالار به بازار فولاد بازگشت؛ به طوری که برخی محصولات با افت شدید قیمت مواجه شدند و برخی دیگر از محصولات میانی همچون شمش از افزایش قیمت غافل نشدند که این امر موجب عقب نشینی مشتریان واقعی شد.

عقب نشینی مشتری های میگردد در رینگ فیزیکی

روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه حدود ۲۸۲ هزار و ۱۵ تن انواع میگردد در رینگ فیزیکی بورس کالا ایران عرضه شد که با استقبال ۶۳ هزار و ۵۷۸ تنی مواجه شد و از این میزان ۳۷ هزار و ۹۰۹ تن انواع میگردد مورد معامله قرار گرفت و به این ترتیب نسبت حجم معامله به عرضه در این روز به ۱۲ درصد رسید.

قیمت میانگین موزون میگردد مرسوم بازار (۱۲ تا ۲۰) در معاملات روز ۲۵ بهمن ماه سال جاری به ۲۲ هزار و ۸۳۶ تومان به ازای هر کیلوگرم به ثبت رسید که به معنای افزایش حدود یک درصدی نسبت به قیمت معاملاتی هفته پیش از آن است. قیمت پایه میگردد فولادی عرضه شده در رینگ صنعتی ۲۵ بهمن ماه در بازه ۲۲ هزار تا ۲۲ هزار و ۷۲۰ تومان تعیین شد، با این حال تقاضای جدی برای میگردد های عرضه شده وجود نداشت. عمده تقاضاها برای محصولات چند واحد خاص تولیدی به ثبت رسید که در نهایت به فروش تمامی ۳۶ هزار تن محصول عرضه شده در این بازار با میانگین نرخ ۲۲ هزار و ۸۰۰ تومان به ازای هر کیلوگرم انجامید. روز ۲۵ بهمن ماه قیمت میگردد در بازار آزاد حدود ۲۴ هزار تومان معامله شد، این در حالی است که با احتساب مالیات ارزش افزوده و کارمزد ارکان بورس؛ نرخ تمام شده هر کیلوگرم میگردد معامله شده در رینگ فیزیکی بورس کالا ایران در روز چهارشنبه به ۲۵ هزار و ۳۰۰ تومان رسید. قیمت در بازار آزاد به مراتب کمتر است و این موضوع باعث می شود که میزان دادوستد در تالار صنعتی و معدنی بورس کالا ایران با رکود جدی مواجه شود و از این رو رینگ فیزیکی با معضل جدیدی مواجه شده است که با وجود عقبگرد نرخ ارز، ادامه انباشت میگردد و نبود تقاضای مصرفی، بخش فولاد را در تنگنا قرار خواهد داد و نسبت حجم فروش به حجم عرضه هر هفته نسبت به روز معاملاتی هفته پیشین کمتر خواهد شد و با پیشروی این شرایط، بازار فولاد باید در انتظار یک سقوط باشد.

حداقل معامله شمش در بازار فیزیکی بعد از ۱۲ هفته در حالی که از نوسان نرخ ارز طی یک هفته اخیر کاسته شده است، این موضوع مانع رشد قیمت

افزایش عرضه برای محصولات پرتقاضا، عطش خرید در رینگ پتروشیمی ها را پاسخ داد

## فروکش رقابت هیجانی رینگ پلیمرها



افزایش عرضه پلی پروپیلن شیمیایی به فروکش رقابت در رینگ پلیمری طرف چهارمین هفته بهمن ماه انجامید. البته همچنان محصولاتی که نرخ پایه آنها براساس دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی تعیین می شود نظیر پلی ترفتالات بطری با رقابت هایی در محدوده ۱۰۰ درصدی به فروش می روند. در این شرایط اصلاح نرخ ارز و به رسمیت شناختن دلار مبادله برای تعیین قیمت از سوی سیاستگذار می تواند به آرامش بیشتر رینگ پلیمرها کمک کند. به گزارش «اکوایران»، ۸۴ درصد عرضه محصولات پلیمری در رینگ فیزیکی بورس کالا ایران طرف هفته چهارم بهمن ماه (منتهی به روز جمعه بیست و هفتم این ماه) معامله شد. صنایع پتروشیمی کشور در این بازه هفتگی بالغ بر ۱۶ هزار تن محصول پلیمری را در بازار فیزیکی بورس کالا ایران عرضه کردند که برای این میزان محصول تقاضایی بالغ بر ۱۳۳ هزار و ۹۶۵ تن به ثبت رسید و در نهایت به فروش ۹۷ هزار و ۶۵۵ تن از این محصول انجامید. میزان حجم فروش محصولات پلیمری در رینگ فیزیکی نسبت به هفته قبل (سومین هفته بهمن ماه) کاهش ۵ هزار تنی داشت. به طور معمول انتظار می رود طرف چهارمین هفته هر ماه از حجم معاملات در رینگ پلیمرها کاسته شود. سهمیه خرید صنایع تکمیلی ماهانه تعریف می شود. بنابراین سهمیه خرید مواد اولیه بخشی از صنایع تکمیلی طرف هفته های ابتدایی ماه به اتمام می رسد و این موضوع بر حجم خریدها در رینگ محصولات پلیمری تاثیر کاهشی می گذارد.

خدا حافظی با رقابت های سنگین

بررسی داده های معاملاتی محصولات پلیمری در رینگ فیزیکی بورس کالا ایران از کاهش رقابت برای انواع محصولات در این بازار حکایت دارد. همچنان بیشترین رقابت در این رینگ مربوط به پلی اتیلن ترفتالات بطری است. با این حال میزان رقابت برای محصول نظیر پلی پروپیلن شیمیایی در این بازه هفتگی تا ۲۸ درصد فروکش کرد؛ این در حالی بود که ظرف ماه های اخیر انواع پلی پروپیلن های شیمیایی با رقابت سنگین قیمتی بیش از ۱۰۰ درصدی مورد دادوستد قرار می گرفت و سقف رقابت برای این محصول در سومین هفته از بهمن ماه نیز ۴۶ درصد بود.

افزایش عرضه پلی پروپیلن شیمیایی ادامه دار شد طرف چهارمین هفته از بهمن ماه بالغ بر ۵ هزار و ۱۱۳ تن انواع پلی پروپیلن شیمیایی در رینگ فیزیکی بورس کالا ایران عرضه شد که این رقم نسبت به حجم عرضه در هفته قبل (سومین هفته بهمن ماه) رشد ۲۵۱ تنی داشت و بیشترین حجم عرضه هفتگی این محصول پس از خرداد ماه امسال بود. رشد حجم عرضه پلی پروپیلن شیمیایی در فروکش رقابت در این رینگ تاثیر بسزایی گذاشت. بخشی از رشد حجم عرضه مربوط به برقراری عرضه های سلف بود. به این ترتیب صنایع تکمیلی که با هدف تامین مواد اولیه در میان مدت وارد بازار شده بودند، این فرصت را یافتند که به خرید سلف روی بیاورند و این موضوع از رقابت برای محصولات عرضه شده به شکل نقدی کاست.

میزان تقاضای ثبت شده برای پلی پروپیلن شیمیایی در رینگ فیزیکی بورس کالا طی چهارمین هفته بهمن ماه به ۷ هزار و ۷۲۰ تن رسید و در نهایت ۵ هزار و ۲۸۰ تن محصول از این بازار مورد معامله قرار گرفت. رقابت قیمتی در رینگ این محصول نیز در هفته مورد بررسی در محدوده صفر تا ۲۸ درصد نوسان داشت.

پلیمر جهانی

نام محصول	منطقه	کف قیمت دلار به ازای تن	سقف قیمت دلار به ازای تن
پلی پروپیلن نساجی	شرق آسیا	۸۶۹	۸۷۱
پلی پروپیلن نساجی	جنوب شرقی آسیا	۹۵۹	۹۶۱
پلی پروپیلن نساجی	جنوب آسیا	۱۰۰۹	۱۰۱۱
پلی پروپیلن تزریقی	شرق آسیا	۸۶۹	۸۷۱
پلی پروپیلن تزریقی	جنوب شرقی آسیا	۹۵۹	۹۶۱
پلی پروپیلن تزریقی	جنوب آسیا	۱۰۰۹	۱۰۱۱
پلی پروپیلن شیمیایی	شرق آسیا	۹۰۴	۹۰۶
پلی پروپیلن شیمیایی	جنوب شرقی آسیا	۹۸۹	۹۹۱
پلی پروپیلن شیمیایی	جنوب آسیا	۱۰۴۴	۱۰۴۶
پلی پروپیلن گرید فیلم	شرق آسیا	۸۷۹	۸۸۱
پلی پروپیلن گرید فیلم	جنوب شرقی آسیا	۹۷۹	۹۸۱
پلی پروپیلن گرید فیلم	جنوب آسیا	۱۰۳۴	۱۰۳۶
پلی استایرن معمولی	شرق آسیا	۱۱۹۹	۱۲۰۱
پلی استایرن معمولی	جنوب شرقی آسیا	۱۱۹۹	۱۲۰۱
پلی استایرن مقاوم	شرق آسیا	۱۲۴۹	۱۲۵۱
پلی استایرن مقاوم	جنوب شرقی آسیا	۱۲۴۹	۱۲۵۱
اکریلونیتریل بوتادین استایرن	شرق آسیا	۱۲۹۹	۱۳۰۱
اکریلونیتریل بوتادین استایرن	جنوب شرقی آسیا	۱۲۹۹	۱۳۰۱
سوسپانسیون PVC	شرق آسیا	۷۶۴	۷۶۶
سوسپانسیون PVC	جنوب شرقی آسیا	۷۶۹	۷۷۱
سوسپانسیون PVC	جنوب آسیا	۷۷۹	۷۸۱
سیک فیلم پلی اتیلن	شرق آسیا	۱۰۳۴	۱۰۳۶
سیک فیلم پلی اتیلن	جنوب شرقی آسیا	۱۰۴۴	۱۰۴۶
سیک خطی معمولی پلی اتیلن	شرق آسیا	۹۳۹	۹۴۱
سیک خطی معمولی پلی اتیلن	جنوب شرقی آسیا	۹۹۹	۱۰۰۱
سیک خطی معمولی پلی اتیلن	جنوب آسیا	۹۸۴	۹۸۶
سیک خطی معمولی C6 پلی اتیلن	شرق آسیا	۹۹۹	۱۰۰۱
سیک خطی معمولی C6 پلی اتیلن	جنوب شرقی آسیا	۱۰۳۹	۱۰۴۱
سیک خطی معمولی C6 پلی اتیلن	جنوب آسیا	۱۱۹۹	۱۲۰۱
سنگین تزریقی پلی اتیلن	شرق آسیا	۹۰۴	۹۰۶
سنگین تزریقی پلی اتیلن	جنوب شرقی آسیا	۹۷۹	۹۸۱
سنگین تزریقی پلی اتیلن	جنوب آسیا	۹۹۹	۱۰۰۱
سنگین بادی پلی اتیلن	شرق آسیا	۹۰۹	۹۱۱
سنگین بادی پلی اتیلن	جنوب شرقی آسیا	۹۸۴	۹۸۶
سنگین بادی پلی اتیلن	جنوب آسیا	۱۰۳۹	۱۰۴۱
سنگین فیلم پلی اتیلن	شرق آسیا	۹۴۹	۹۵۱
سنگین فیلم پلی اتیلن	جنوب شرقی آسیا	۹۹۴	۹۹۶
سنگین فیلم پلی اتیلن	جنوب آسیا	۱۰۴۹	۱۰۵۱
ترفتالات بطری پلی اتیلن	شرق آسیا	۹۱۹	۹۲۱
ترفتالات بطری پلی اتیلن	جنوب شرقی آسیا	۹۵۴	۹۵۶
منبع: Inpia			





## رویکردهای نوین در طراحی آموزش سازمانی

کمک می کند. هوش مصنوعی می تواند در ایجاد تجربه های آموزشی تعاملی و جذاب کمک کرده و با توجه به واکنش ها و عملکرد فرد، محتواهای آموزشی را به روزرسانی کند.

**۳- پلتفرم های آموزش:** پلتفرم های آموزشی این امکان را فراهم می کنند که کارکنان در هر زمان و مکانی بتوانند به منابع آموزشی دسترسی پیدا کنند که این امر به افزایش انعطاف پذیری و کارایی آموزشی کمک می کند. با استفاده از الگوریتم ها و ابزارهای هوش مصنوعی، پلتفرم های آموزشی می توانند محتواهای آموزشی را بر اساس نیازها و سطح دانش و مهارت هر فرد شخصی سازی کنند. پلتفرم های آموزشی می توانند با فناوری های دیگر مانند ویدئو، واقعیت افزوده، واقعیت مجازی و... ادغام شوند تا تجربه آموزشی را بیشتر و جذاب تر کنند. این پلتفرم ها به مدیران اجازه می دهند تا منابع آموزشی را مدیریت کرده و دسترسی به آنها را همگراش های مربوط به فعالیت های آموزشی را داشته باشند.

**۴- موبایل و اپلیکیشن های آموزشی:** اپلیکیشن های آموزشی، قابل دسترسی روی تلفن های همراه افراد هستند. این امر به کارکنان امکان می دهد تا در هر زمان و مکانی به منابع آموزشی دسترسی پیدا کنند. اپلیکیشن های آموزشی می توانند ابزارهای تعاملی مختلفی را ارائه دهند که به کارکنان امکان مشارکت فعال و درگیری بیشتر در فرآیند یادگیری را می دهند. این اپلیکیشن ها ابزارهای مختلفی را برای ارزیابی دانش و پیگیری پیشرفت کارکنان فراهم می کنند. در سال های اخیر، با توجه به انتشار گسترده تلفن های همراه و افزایش استفاده از اپلیکیشن ها، استفاده از این فناوری ها در آموزش سازمانی به عنوان یک راهکار موثر برای ارتقای دانش کارکنان مورد توجه قرار گرفته است.

**۵- یادگیری مبتنی بر الگوریتم:** استفاده از یادگیری مبتنی بر الگوریتم در آموزش سازمانی امکان جدیدی را برای بهبود فرآیندهای آموزشی فراهم می کند. این رویکرد از الگوریتم ها و هوش مصنوعی برای شخصی سازی و بهینه سازی فرآیندهای آموزشی استفاده می کند. این روش به فرد این امکان را می دهد تا یک تجربه یادگیری فعال و متمركز را تجربه کند که باعث افزایش توجه و مشارکت فرد در فرآیند یادگیری می شود. الگوریتم ها می توانند پیشرفت فرد را ارزیابی کرده و به فرد بازخورد ارائه دهند که این امر به مدیران کمک می کند تا عملکرد آموزشی و بهبودهای لازم را تعیین و اعمال کنند. با استفاده از داده های جمع آوری شده، الگوریتم ها می توانند نیازهای آموزشی آینده را پیش بینی کرده و برنامه ریزی منابع آموزشی را بهینه کنند. استفاده از یادگیری مبتنی بر الگوریتم می تواند به کاهش هزینه ها و زمان مورد نیاز برای طراحی، ارائه و ارزیابی دوره های آموزشی کمک کند.

صادق زهرهوند/ مدیر آکادمی «دنیای اقتصاد»  
بخش نخست

استفاده از فناوری در آموزش به دلیل قابلیت های نوآورانه و کارآمدی که ارائه می دهد، به یک رویکرد بسیار موثر و حیاتی برای فرآیندهای آموزشی تبدیل شده است. نحوه ادغام فناوری در برنامه های آموزشی سازمان با تاکتیک ترکیب نوآوری و عملکرد، یکی از چالش های سازمان های بزرگ است. در بخش نخست این نوشتار رویکردهای نوین در طراحی و اجرای آموزش سازمانی با استفاده از فناوری را مورد بررسی قرار داده و در بخش بعدی، مزایا و معایب استفاده از فناوری در آموزش سازمانی به همراه چالش های پیش روی سازمان و کارکنان در این راه را بازگو کرده و در نهایت چند نمونه موردی موفق در سازمان های بزرگ دنیا را مطرح می کنیم.

**۱- واقعیت مجازی (VR) و واقعیت افزوده (AR):** کارکنان با استفاده از VR و AR می توانند تجربه های آموزشی فعال و تعاملی را تجربه کنند که این امر به بهبود فرآیند یادگیری و رسیدن به بهترین نگرش نسبت به مطالب آموزشی منجر می شود. VR و AR امکان ایجاد محیط های شبیه سازی شده از موقعیت های واقعی را فراهم می کنند. این مهم به کاربران اجازه می دهد تا در محیط کمترین زمان و هزینه، در محیط های واقعی مجازی یا واقعیت افزوده، مهارت ها و تکنیک های خود را بهبود بخشند. برای فرآیندهایی که نیاز به آموزش در محیط های خطرناک دارند، استفاده از VR و AR می تواند جایگزینی ایمن و کارآمد برای آموزش در محیط های واقعی باشد. با استفاده از ابزارهای دیجیتال و قابل حمل، افراد می توانند به آموزش های VR و AR در هر زمان و مکانی دسترسی داشته باشند که این امر انعطاف پذیری بیشتری را به فرآیندهای آموزشی اضافه می کند. به طور کلی، استفاده از VR و AR در آموزش سازمانی می تواند بهبود قابل توجهی در کیفیت، تجربه و کارایی آموزش فردی و سازمانی ایجاد کند و برای ارتقای مهارت ها و دانش های فردی و سازمانی موثر باشد.

**۲- هوش مصنوعی:** با استفاده از الگوریتم های هوش مصنوعی می توان بهترین محتواها و روش های آموزشی را برای هر فرد یا گروه مشخص کرد که بی تردید منجر به افزایش کارایی و یادگیری فردی می شود. هوش مصنوعی می تواند به تحلیل دقیق تر داده های آموزشی بپردازد و الگوهای یادگیری را شناسایی کند. این اطلاعات می تواند به سازمان کمک کند تا فرآیندهای آموزشی خود را بهبود بخشد و بهترین راهکارها را برای ارتقای آموزش ارائه دهد. با استفاده از هوش مصنوعی می توان سیستم هایی را توسعه داد که به صورت خودکار محتواهای آموزشی را ایجاد، به روزرسانی و تنظیم کنند که این امر به کاهش هزینه ها و زمان مورد نیاز برای تولید محتواهای آموزشی



خریری هست. اما خیلی از افراد با این واقعیت که می گیرند تا آخر ماه سر می کنند - حتی اگر نیروی کار بسیار قابل باشد و مزایای خوبی هم دریافت کنند، وقتی آنها را اخراج می کنید، دچار فشار مالی نمی شوند. منظور این نیست که نباید در مورد آینده به آنها امید بدهید. شاید اتفاق بهتری سر راه آن فرد قرار بگیرد. اما فعلا، و در آن لحظه که فهمیده شغلش را از دست داده، سراسر احساس ناامیدی می کند و چنین جملاتی نمی تواند به او کمک کند.

**• شاید وقت خوبی پیش آمده که کسب و کار خود را شروع کنی.**  
شروع یک کسب و کار شوخی نیست. همه افراد هم برای کارآفرینی ساخته نشده اند. طبق داده های اداره آمار کار آمریکا، حدود ۲۰ درصد کسب و کارهای بخش خصوصی در آمریکا، در سال اول فعالیتشان شکست می خورند. نرخ شکست آنها بعد از پنج سال، به حدود ۵۰ درصد افزایش می یابد. اصرار برای انجام یک کار، به فردی که ممکن است مناسب آن نباشد، می تواند ریسکی باشد و او را به دردرس بیندازد.

منبع: Washington Post

آخر هر سال، خیلی از شرکت ها دست به تعدیل نیروهایشان می زنند، مراقب باشید به آنها دلداری بی خود ندهید!

# جملاتی که هنگام اخراج نیرو نباید بگویند

وقتی دختر بزرگم ۷ سال داشت، به یک بیماری نادر خودایمنی مبتلا شد که پزشکان گفتند شانس زیادی برای زنده ماندن ندارد. این بیماری در مان قطعی و شناخته شده ای نداشت و بنابراین تجویز مجموعه داروهای برای او شروع شد تا شاید روشی برای زنده نگه داشتنش پیدا کنند. این یعنی به طور مکرر باید از او خون می گرفتند؛ آن هم از کودکی که از سوزن وحشت داشت. زمان و تلاش زیادی را صرف کردیم تا وضعیت او را ثابت نگه داریم و این فرآیند را تکمیل کنیم. در طول روند درمان، یک بار یکی از مسوولان خون گیری گفت: «من همیشه در حال انجام این کار هستم. واقعا اتفاق مهمی نیست.» دخترم، با یک بلوغ فکری که در آن سن من را شگفت زده کرد، گفت: «برای من مهم است. مهم است، چون چیزی را می گیری که درون بدن من است. ممکن است برای تو مهم نباشد، چون برای تو اتفاقی نمی افتد.»

نویسنده: Michelle Singletary

مترجم: مریم رضایی

در آن سال ها، تمام مدت به آنچه دخترم گفته بود فکر می کردم؛ البته در یک فضای کاملا متفاوت. در پایان سال ۲۰۲۲، ده ها نفر از همکارانم در روزنامه واشنگتن پست، در قالب بسته انفصال خدمت داوطلبانه، ترک کار کردند. شرکت قرار بود ۲۴۰ نفر از نیروهایش را تعدیل کند و اگر کسی این بسته ها را قبول نمی کرد، ناچار به اخراج اجباری آنها می شدند. برای بسیاری از مردم، پایان سال که فصل شادی و خرید است، می تواند به یک ترومای مالی و روانی تبدیل شود. شرکت ها معمولا تعدیل نیروهای خود را به ماه پایانی سال موقوف می کنند تا حساب و کتاب های مالی خود را پیش از شروع سال جدید، متوازن کنند. تعدیل نیرو این روزها صنایع زیادی را در سراسر دنیا درگیر کرده؛ از رسانه گرفته تا خودرو. شرکت اسباب بازی «هزبرو» نیز اواخر سال گذشته اعلام کرد حدود ۱۱۰۰ نفر از کارکنانش را تعدیل می کند. ممکن است شما به عنوان کارفرما بخواهید

به کارکنانی که قرار است شغلشان را از دست بدهند، قوت قلب بدهید، اما انتخاب عبارات اشتباه می تواند نتیجه عکس داشته باشد. اگر در جایگاه مدیریت هستید، از جمله هایی مثل «لطفا از تصمیم ما برداشت شخصی نکنید» خودداری کنید. هیچ وقت و در هیچ شرایطی این را نگویند، چون معادل این جمله است: «حالا اتفاق مهمی هم نیفتاده.» تعدیل نیرو اتفاقا همیشه یک مساله شخصی است، چون مستقیما کیفیت زندگی و مالی افراد را هدف می گیرد. من به افراد زیادی که شغلشان را از دست داده اند، در مورد موقعیت مالی شان مشاوره داده ام. در اینجا جملاتی را که در چنین شرایطی نباید بر زبان بیاورید، مرور می کنیم:

**• این اتفاق، به معنای آن نیست که شرکت از روشی برای شما قائل نیست**  
کسی را که برایش ارزش قائلید، نگه می دارید. اصلا اهمیتی ندارد که تعدیل نیرو در نتیجه شرایط اقتصادی غیر قابل پیش بینی بوده یا مدیریت ضعیف؛ تصمیم برای حذف افراد، ضربه بسیار بدی است. بنابراین، وقتی تلاش می کنید با گفتن جملاتی که نشان دهد آن فرد چقدر برای

## آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره: ۲۱۸-۰۲



**شرکت صبا فولاد خلیج فارس** در نظر دارد " تامین متریال خط **TNG** و خط **۳۳ گرم شرکت صبا فولاد خلیج فارس** " خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای به پیمانکاران واجد شرایط محول نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی که در این حوزه فعالیت دارند، دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مناقصه به روش ذیل عمل نمایند:

### نحوه دریافت اسناد مناقصه:

۱- واریز مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال بابت خرید اسناد به شماره حساب ۱۰۳۶۲۰۳۵۹۱ یا شماره شباهت ۱۰۰۰۲۲۳۶۲۰۳۵۹۰۰۱ IR نزد بانک رسالت گلشهر بندرعباس به نام شرکت صبا فولاد خلیج فارس.

۲- ارائه یا ارسال نامه اعلام آمادگی که در آن ایمیل رسمی آن شرکت همراه با شماره تماس با کارشناس مربوطه ذکر شده باشد، به علاوه فیش واریزی به دبیرخانه کمیسیون معاملات به آدرس **TCO@sabasteel.co** یا موضوع اعلام آمادگی برای شرکت در مناقصه ۲۱۸-۰۲.

پس از دریافت نامه اعلام آمادگی و فیش واریز مبلغ، اسناد مناقصه، قرارداد و تمامی تغییرات احتمالی از طریق ایمیل فوق الذکر به مناقصه گران ارسال و اعلام خواهد شد.

لازم به ذکر است جهت تحویل پاکت اختصاصی مناقصه به نشانی: بندرعباس - کیلومتر ۱۳ بزرگراه شهید رجایی، منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس - شرکت صبا فولاد خلیج فارس - واحد حقوقی مراجعه نمایید.

### تضمین شرکت در مناقصه:

ضمانت نامه بانکی جهت شرکت در مناقصه به مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (پنج میلیارد ریال)

### جدول زمانی انجام مناقصه:

آخرین مهلت دریافت اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکت	تاریخ گشایش پاکت الف و ب و ج
۱۴۰۲/۱۲/۰۷	۱۴۰۲/۱۲/۲۱	۱۴۰۲/۱۲/۲۲

کلیه متقاضیان موظفند نسبت به تکمیل اسناد (مطابق موارد مندرج در آگهی) در سه پاکت جداگانه (شامل ضمانت نامه بانکی، اسناد ارزیابی و پیشنهاد قیمت) مهروموم شده اقدام و جهت تحویل پاکت تا ساعت ۱۶ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ به آدرس ذیل مراجعه نمایند.

### آدرس جهت ارسال اسناد:

استان هرمزگان، بندرعباس، کیلومتر ۱۳ جاده بندر شهید رجایی، منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس، مجتمع صبا فولاد خلیج فارس، واحد حراست شماره تلفن ۳۱۰۰ با کد ۰۷۶ داخلی ۲۲۴۰ و ۳۰۵۲ (اطلاعات فنی) و ۲۱۱۹ (اطلاعات حقوقی و اسنادی) جهت آگاهی بیشتر متقاضیان می باشد.

شایان ذکر است به پیشنهادهایی که دارای شرایط مشخص شده در مناقصه نبوده و همچنین خارج از زمان و مکان مقرر ارسال گردند، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

هزینه انتشار آگهی درج شده در روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد.



## آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای مناقصه شماره: ۱۵۹-۰۲

**شرکت صبا فولاد خلیج فارس** در نظر دارد " انجام خدمات طراحی، مهندسی معکوس قطعات و تجهیزات و مشاوره فنی شرکت صبا فولاد خلیج فارس " را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای به پیمانکاران واجد شرایط محول نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی که در این حوزه فعالیت دارند، دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مناقصه به روش ذیل عمل نمایند:

### نحوه دریافت اسناد مناقصه:

۱- واریز مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال بابت خرید اسناد به شماره حساب ۱۰۳۶۲۰۳۵۹۱ یا شماره شباهت ۱۰۰۰۲۲۳۶۲۰۳۵۹۰۰۱ IR نزد بانک رسالت گلشهر بندرعباس به نام شرکت صبا فولاد خلیج فارس.

۲- ارائه یا ارسال نامه اعلام آمادگی که در آن ایمیل رسمی آن شرکت همراه با شماره تماس با کارشناس مربوطه ذکر شده باشد، به علاوه فیش واریزی به دبیرخانه کمیسیون معاملات به آدرس **TCO@sabasteel.co** یا موضوع اعلام آمادگی برای شرکت در مناقصه ۱۵۹-۰۲.

پس از دریافت نامه اعلام آمادگی و فیش واریز مبلغ، اسناد مناقصه، قرارداد و تمامی تغییرات احتمالی از طریق ایمیل فوق الذکر به مناقصه گران ارسال و اعلام خواهد شد.

لازم به ذکر است جهت دریافت پاکت اختصاصی مناقصه به نشانی: بندرعباس - کیلومتر ۱۳ بزرگراه شهید رجایی، منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس - شرکت صبا فولاد خلیج فارس - واحد حقوقی مراجعه نمایید.

### تضمین شرکت در مناقصه:

ضمانت نامه بانکی جهت شرکت در مناقصه به مبلغ ۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (هشت میلیارد ریال)

### جدول زمانی انجام مناقصه:

آخرین مهلت دریافت اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکت	تاریخ گشایش پاکت الف و ب و ج
۱۴۰۲/۱۲/۰۷	۱۴۰۲/۱۲/۲۱	۱۴۰۲/۱۲/۲۲

از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می آید پس از دریافت اسناد مناقصه، پیشنهاد خود را در سه پاکت جداگانه (شامل ضمانت نامه بانکی، اسناد فنی و پیشنهاد قیمت) مهر و موم شده، مطابق با جدول زمانی مناقصه تا ساعت ۱۶ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ به آدرس ذیل تسلیم نمایند.

### آدرس جهت تسلیم اسناد:

استان هرمزگان، بندرعباس، کیلومتر ۱۳ جاده بندر شهید رجایی، منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس، مجتمع صبا فولاد خلیج فارس، واحد حراست متقاضیان برای آگاهی بیشتر می توانند در ساعات اداری با شماره تلفن های ۰۷۶۳۱۰۰ داخلی ۲۱۱۹ (آقای کاشانی، اطلاعات بازرگانی) و داخلی ۲۲۳۴، ۳۱۰۱ (اطلاعات فنی) تماس حاصل نمایند.

شایان ذکر است به پیشنهادهایی که دارای شرایط مشخص شده در مناقصه نبوده و همچنین خارج از زمان و مکان مقرر ارسال گردند، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

هزینه انتشار آگهی درج شده در روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد.



